هفته نامۀ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم –سال سیزدهم – شمارۀ ۳۳ ۲۲ قوس ۱۳۹۳ ۲۰ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 13 Decembers 2014



روشنفکری به قیافۀ ظاهری نیست. چه بسا آنانی که با لباس های عتیقه فکر بلند دارند و چه شیک پوش های که فکر کهنه دارند.

از سخنان رهبر شهید

موقف گیری حکومت افغانستان در مورد گزارش مجلس سنای امریکا



محمد اشرف غنی رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در یک نشست خبری بتاریخ ۱۸ قوس، گزارش کمیتۀ اطلاعاتی مجلس سنای ایالات متحدۀ امریکا را مبنی بر شکنجۀ زندانیان در مراکز شکنجۀ مربوط به سی آی ای محکوم نمود. وی گفت: تمام اصول قبول شدۀ حقوق بشر، قانون ایالات متحدۀ امریکا، اخلاق جهانی از جانب شماری از مامورین سی آی ای یا دستگاه استخباراتی امریکا زیر پا گذاشته شده است و دولت افغانستان آن را به شدیدترین الفاظ محکوم می کند.

رئیس جمهور افزود که، چنین اعمال هیچگونه توجیه ندارد و اعمال خبیثه می باشد. وی با اشاره به گزارش تصریح کرد که، یک تعداد از وطنداران ما نیز تحت شکنجه قرار گرفته اند و حقوق شان پای مال شده است. رئیس جمهور تأکید کرد که ما می خواهیم تعداد افغان های زندانی که مورد شکنجه قرار گرفته اند، معلوم شود، تا برای اعادۀ حیثیت و حقوق شان اقدام کنیم.

رئیس جمهور گفت که، جای درد و رنج این است که تعدادی از این زندانیان شکنجه شده، بی گناه بوده اند. آقای غنی یک بار دیگر تأکید کرد که، اصل مهم موافقتنامۀ امنیتی افغانستان و امریکا این است که، بعد از ختم سال ۲۰۱۴ میلادی هیچ کسی نمی تواند در خاک افغانستان زندان داشته باشد و شهروندان ما را زندانی و یا در خانه های مربوط به خود شان نگه داری نماید.

رئیس جمهور غنی افزود، صلح از اولویت های دولت افغانستان است، از تمام هموطنان خواست تا دست به دست هم دهند تا از حلقۀ خبیثۀ جنگ رهایی یابند. رئیس جمهور با اشاره بر اینکه دین مقدس اسلام و قانون اساسی افغانستان ارزش بیشتری را به بشر قایل شده است، گفت که ما مصمم هستیم تا تخطی های حقوق بشر را از بین ببریم و حقوق حقۀ مردم خویش را تأمین نماییم.

جریان مدغم و منحل سازی بانک‌ها، پیامدهای مثبت و منفی

□ **عنایت**

در این اواخر اخباری مبنی بر مدغم شدن سه بانک دولتی زیر نام یک بانک را از رسانه‌های جمعی شنیدیم. بانک‌های که قراراست مدغم شوند، عبارت اند از بانک پشتنی، بانک ملی و کابل بانک نو که آخری در اصل از سابقه دارترین بانک خصوصی بود که سه سال قبل در اثر سوء مدیریت و دخالت سیاست به بحران رفت و دولت کنترول آن را بدست گرفت.

در مورد مدغم و منحل شدن این بانک‌ها مقام‌ها در وزارت مالیه اذعان کردند که سه بانک دولتی که از آن‌ها در بالا نام برده شد، با هم یک‌جا می شوند و یک بانک (قوی) دولتی را تشکیل می دهند. طرح یک‌جا شدن این بانک ها چندی پیش از سوی وزارت مالیه به ریاست جمهوری ارائه شده و ریاست جمهوری آن را به گفتۀ وزارت مالیه به تازگی منظور کرده است.

یک جا کردن و یا ملغی کردن بانک ها از ممکنات و چیزهای معمول در نظام بانکداری می باشد، اما چیزی‌که بسیار مهم است این‌که آیا این کارها با قانون بانکداری و نظام اقتصادی کشور تطابق دارد یا خیر؟ آیا این‌گونه عملکردهای نمادین می تواند سکتور اقتصادی کشور به ویژه نظام بانکداری را تنقیح نماید. نظام بانکداری افغانستان طی۱۳سال گذشته فراز و فرودهایی را طی نموده است. درپهلوی دست آوردها همواره

ص۵

شکنجه گران سیا در گزارش کنگرۀ امریکا



□ **راوی**

کنگرۀ امریکا بخشی از گزارشی را به نشر سپرد که نشان می دهد سازمان سیای امریکا از سال ۲۰۰۱ کسانی را که در کشور های مختلف به اتهام دخالت در اقدامات تروریستی دستگیر کرده بود، شکنجه کرده است. شکنجه در زندان های سیا از جمله گوانتانامو، بگرام و ابوغریب رازی نیست که تازه افشا شده باشد اما اینکه یکی از عالیترین مراجع قانون گذاری در امریکا به قانون شکنی یک نهاد امنیتی این کشور اعتراف نموده و آنرا خلاف موازین قبول شدۀ حقوق بشر می داند، جالب است.

در این گزارش از بی خوابی های متوالی گرفته تا نگه داشتن در آب سرد، غرق مصنوعی در آب، نگه داشتن زندانی با تن برهنه در مکان سرد که حتی در یک مورد به مرگ زندانی هم منجر شده و سایر موارد سخن رفته است. این گزارش فقط ده درصد از مجموع گزارشی در این مورد است که در اختیار کنگره قرار دارد.

ص۷

کنار رفتن چاک هیگل و تاثیر آن بر افغانستان

□ **ابوبکر سبزوار**

باراک اوباما رئیس جمهور امریکا چاک هیگل وزیر دفاع این کشور را از وظیفه اش برکنار کرد. دلیل این اقدام رئیس جمهور، ناتوانی هیگل در کنترول اوضاع امنیتی در عراق و سوریه و موقف ضعیف وی در برابر گروه دولت اسلامی خوانده شده است.

از مدت ها قبل شایعاتی در جریان بود که اوباما در صدد است تا تیم امنیت ملی امریکا را تغییر دهد و شکست دیموکرات ها در انتخابات میان دوره ای کانگرس امریکا در حقیقت نوعی همه پرسی در مورد سیاست خارجی دولت اوباما تلقی شد که این روند را تسریع کرد. با این انتخابات، اوباما اکنون در عمل بیش از اینکه



رئیس جمهوری از حزب دیموکرات باشد، باید خود را در موقف یک جمهوری خواه قرار دهد.

می دانیم که چاک هیگل کمتر از دوسال قبل به این دلیل به این سمت منصوب گردید تا بودجۀ دفاعی ایالات متحدۀ امریکا را کاهش دهد و دخالت مستقیم سربازان امریکایی در جنگ افغانستان را پایان بخشد. هیگل قبلاً در مقام سناتور هرچند با حملۀ امریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ موافقت نموده بود اما بعداً این کار را یکی از اشتباهات بزرگ امریکا خواند. وی با تعزیرات اقتصادی علیه ایران هم مخالف بود و به همین دلیل در کمتر از دوسال دوران وزارتش بعنوان وزیر دفاع، مورد انتقاد لابی اسرائیل

ص۴

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کوچه اول سرک لیسه نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارۀ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

توزیع تذکرۀ الکترونیکی نیاز مردم افغانستان

توزیع تذکره های الکترونیکی که حدود سه سال پیش در دستور کار دولت افغانستان قرار داشت. دراین مدت بارها ریاست جمهوری، وزارت های امور داخله و مخابرات و تکنالوژی معلوماتی از آماده گی ها و توزیع زودهنگام این سند مهم ملی خبر دادند، اما برنامۀ اجرایی آن تحقق نیافت. علت آن هم در عدم تصویب و توشیح قانون ثبت احوال نفوس وانمود گردید. طرح این قانون که به ویژه روی ذکر نام قوم، مخالفان و موافقان در پارلمان داشت، جنجال آفرید و سرانجام پس از زمان گذرانی و چانه زنی میان نمایندگان هردو مجلس، توسط کمیتۀ مشترک شورای ملی، در ۷ فصل و ۳۹ ماده تصویب شد و رئیس جمهور غنی به تاریخ ۱۰ قوس سال جاری آن را توشیح کرد.

با توشیح قانون ثبت احوال نفوس، وزارت داخلۀ کشور گفته است، بعد از دریافت اجازه از سوی ریاست جمهوری، روند آزمایشی توزیع تذکرۀ الکترونیکی را در اول ماه جدی سال جاری (ده روز بعد) آغاز می نماید و اولین تذکره به رئیس جمهور غنی توزیع خواهد شد. وعدۀ که پیش از آن، دوبار به رئیس جمهور کرزی داده شده بود!

اینکه توزیع تذکرۀ تابعیت الکترونیکی آغاز و شهروندان کشورما دارای شناسنامۀ پیشرفته به سطح جهان گردند و از سوی دیگر احصائیۀ نفوس کشور تثبیت شود، قدمی است که باید آن را ستود و در راه اندازی این برنامه از هیچ گونه سعی و تلاش دریغ نکرد. زیرا تذکره الکترونیکی به شهروندان کشورما هویت جهانی می دهد. اما هستند افراد و حلقات مغرضی که بنا به خواسته های نامشروع شان، در عقب مانی این پروسۀ ملی تلاش کرده اند و خواهند کرد.

دیدیم که در نبود تذکرۀ تابعیت معیاری و احصائیۀ واقعی، انتخابات ها به چالش کشانیده شد و در نبود یک احصائیۀ درست که ضرورت یک کشور پنداشته می شود در بسا موارد دچار مشکل شدیم. توزیع تذکرۀ الکترونیکی سهولتی است برای شهروندان کشور. با توزیع این کارت هویت، نفوس کشور را که سال هاست روی تخمین و حدس استوار است، روشن می شود. آنچه مهم است استفادۀ آن در انتخابات است که می تواند جلو کارت های جعلی را بگیرد.

دولت افغانستان و نهادهای توزیع کنندۀ تذکرۀ الکترونیکی باید بسیار محتاطانه و با دقت کامل این پروسه را نظارت و به پیش ببرند، نشود که این سند مهم هویتی، بدون درنظرداشت شرایط و طرزالعمل های تهیه شده، توزیع گردد که به اعتبار آن صدمه وارد شود.

پیش از این، وزارت امور داخله برنامه توزیع تذکرۀ الکترونیک را علاوه به تمام شهروندان افغانستان از جمله برای اعضای گروه طالبان نیز نوید داده، آن را بخشی از تلاش های صلح خواهانۀ دولت افغانستان در برابر طالبان خوانده بود. گرچه این وزارت تأکید نموده بود، شناسنامه های الکترونیک برای تمام افرادی که "هویت افغانی آنان توسط قریه دار، وکیل گذر، امام مسجد، ادارۀ ثبت و احوال نفوس محل و ادارات کشفی و امنیتی" تائید شود، داده خواهد شد. اما بازهم نگران کننده است و نیاز دارد تا دولت روی چگونگی درست توزیع آن، جدی ترگام بردارد.

افغانستان و ماجرای لطیف الله محسود



□ وحید مژده

لطیف الله محسود یکی از رهبران طالبان که در زندان بگرام زندانی بود توسط امریکایی ها به پاکستان تحویل داده شد. همراه با لطیف الله دو تن دیگر به نام های عزیز عرفات و جعفر نیز به پاکستان تحویل داده شدند. لطیف الله محسود که معاون حکیم الله محسود هم بشمار می رفت، در ماه اکتوبر سال ۲۰۱۳ یعنی بیش از یک سال قبل در ولایت لوگر بدست امریکایی ها افتاد و به بخشی از زندان بگرام که توسط خودشان کنترول می شود، انتقال دادند. در آن وقت ایمل فیضی سخنگوی رئیس جمهور وقت گفته بود که، لطیف الله محسود از مدت ها قبل با امنیت ملی در تماس بود.

مدت ها قبل مقامات پاکستانی تحریک طالبان پاکستان را متهم به دریافت کمک از هندوستان و از طریق افغانستان نموده بودند که این ارتباط و دستگیری لطیف الله توسط امریکایی ها لااقل این راز را افشا نمود. شورای عالی صلح افغانستان از امریکایی ها خواهان آزادی لطیف الله محسود شدند. شاهزاده شاهد سخنگوی این شورا در آن زمان گفت که، آزادی وی می تواند در برنامۀ صلح میان دولت افغانستان و طالبان افغان موثر باشد.

اما واقعۀ که موجب شد تا حتی برنامۀ صلح حکومت پاکستان با طالبان این کشور نیز به فراموشی سپرده شود، کشته شدن حکیم الله محسود رهبر طالبان پاکستانی در حملۀ یک طیارۀ بی پیلوت امریکایی در وزیرستان شمالی در اول نوامبر سال ۲۰۱۳ بود. این مسئله جای سوال دارد که آیا این کار با استفاده از معلوماتی صورت گرفت که لطیف الله در اختیار امریکایی ها قرار داده بود؟

در این رابطه یک موضوع دیگر نیز قابل تذکر است؛ نیروهای امنیتی پاکستانی و امریکایی در یک عملیات مشترک در سال ۲۰۱۰، ملا براد آخند شخص شماره دوم تحریک طالبان افغان را در یک مدرسه در کراچی دستگیر کردند. بعد از این جریان دولت افغانستان مدعی شد که ملا برادر تمایل به صلح با دولت افغانستان داشت و تماس هایی هم با مقامات دولت افغانستان برقرار کرده بود و به همین دلیل نیز دستگیر شد.

اگر واقعاً این ادعای دولت افغانستان درست بود پس چرا امریکایی ها در دستگیری ملا برادر با پاکستانی ها همکاری کردند؟ آیا این همکاری به این معنی نبود که امریکا هم در همدستی با پاکستان در صدد تخریب پروسۀ صلح در افغانستان بود؟

بعد از دستگیری ملا برادر، دولت افغانستان بارها از پاکستان تقاضای استرداد وی را به جانب افغانستان نمود اما پاکستانی ها این خواست دولت افغانستان را نپذیرفتند. در تماس هایی که مقامات شورای صلح افغانستان با پاکستان داشتند، پاکستانی ها مدعی شدند که چون ملا برادر بصورت مشترک توسط نیروهای امریکایی و پاکستانی دستگیر شده اند، بنابر این باید امریکایی ها نیز با آزادی وی توافق نمایند. اما با وجود اصرار دولت افغانستان و رئیس جمهور سابق حامد کرزی، ملا برادر به دولت افغانستان سپرده نشد.

اما پاکستانی ها برای نشان دادن حسن نیت ظاهری، کسانی در صف طالبان را که دیگر مورد اعتماد طالبان نبودند کمک کردند تا به افغانستان بیایند زیرا می دانستند که این افراد مهره های سوخته ای بیش نیستند و در پروسۀ صلح نقش موثری نخواهند داشت. یکی از این افراد ملا آغا جان معتصم بود، بعد از اینکه توسط طالبان در تلاشی نافرجام برای کشتنش مجروح شد و مشخص بود که رهبران طالبان وی را طرد کرده اند، به افغانستان فرستاده شد که بعد از مداوا به کشورهای ترکیه و امارات رفت و آمد داشت.

اما حتی همین فعالیت های ضعیف این شخص نیز مورد خواست امریکایی ها نبود و بنابراین وی در امارات دستگیر گردید. هرچند وی با وساطت دولت افغانستان آزاد گردید و به کابل آمد اما از آن به بعد وی تجرید شد.

اما در مورد لطیف الله محسود باید گفت که، وقتی وی به افغانستان آمد، آی اس آی از این سفر آگاه بود و زیاد امکان دارد که این اطلاعات را یکی از مقامات افغان که از جریانات اطلاع داشت به اطلاع آی اس آی رسانیده باشد و آی اس آی نیز از طریق سی آی ای اقدام به دستگیری وی نمود.

نتیجۀ دستگیر شدن لطیف الله این بود که رهبران دیگر طالبان پاکستانی حتی اگر تمایلی هم به رابطه با حکومت افغانستان داشتند، جرئت این کار را از دست دادند و به این نتیجه رسیدند که آی اس آی از همکاری کامل امریکا برخوردار است و حکومت افغانستان هیچ حاکمیتی بر کشور خود ندارد.

دستگیری این شخص توسط امریکایی ها به این دلیل صورت گرفت که امریکا نمی خواست افغانستان با کمک به طالبان پاکستانی، موقف بهتری در برابر پاکستان بدست آورد.

اکنون که لطیف الله محسود مجدداً به پاکستان سپرده شده، دولت پاکستان این امکان را دارد تا با استفاده از اطلاعاتی که از وی بدست می آورد، کسانی را که در داخل تحریک طالبان پاکستان با مقامات افغان در تماس اند، شناسائی نماید.

مقامات افغان می گویند که لطیف الله محسود در اختیار آنان قرار نداشت و در این مورد تحقیق می کنند که وی چرا به پاکستان تحویل داده شد!

آیا در این رابطه نیازی به تحقیق وجود دارد؟!

هرچه از حد...

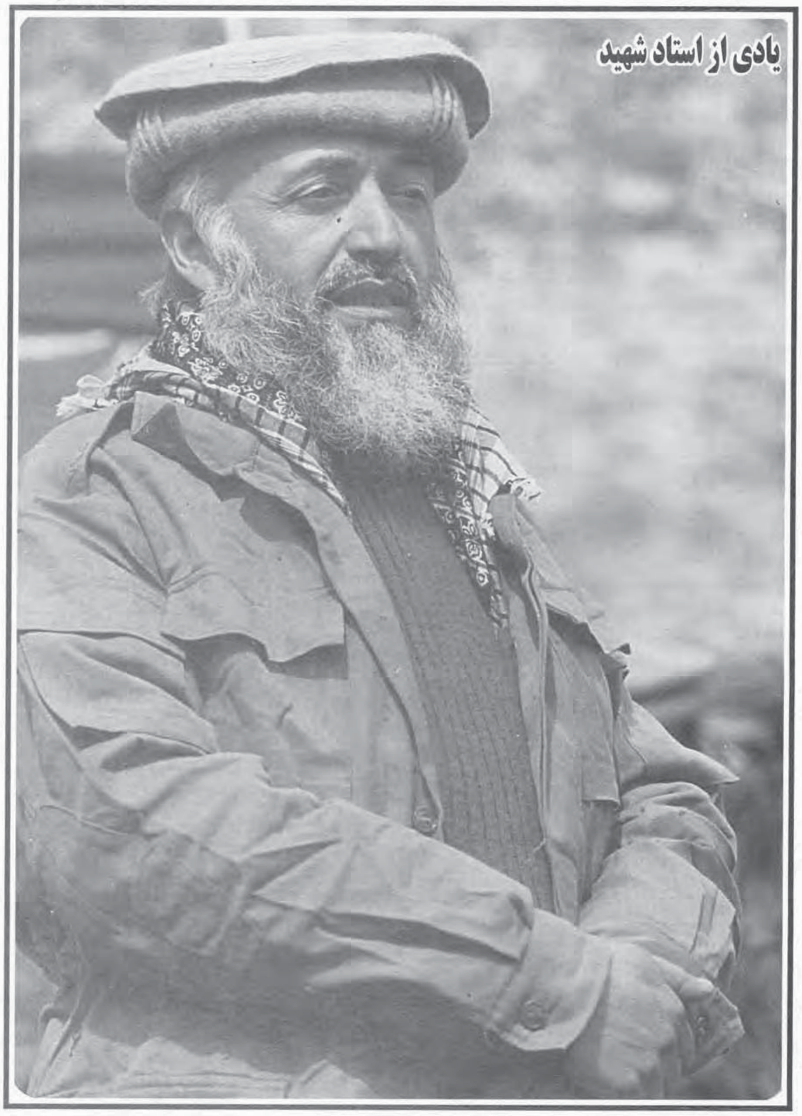
تا اکنون به نتیجه نه رسیده اند، تا به این مهم بپردازند و به وعده های خود عمل کنند.

عملی نمودن تعهداتی دولت افغانستان بدون داشتن انسان های خبیر و دلسوز در رهبری دولت و در نهاد های عدلی و قضایی موثر نیست. امروز مردم از کابینۀ مصلحتی هراس دارند و این باورها تقویه شده است که رفتن به سنگرهای قومی هم اکنون آغاز شده و انسان های ملی که بالاتر از قوم، قبیله، حزب و دو تیم انتخاباتی فکر می نمودند در حاشیه قرار خواهند گرفت. امروز از اولویت های حکومت وحدت ملی است که جریان حکومت داری خوب را هر چه زودتر به میان آورد و در زمینه مصارف کمک های خارجی شفافیت را در نظر داشته و یک انکشاف متوازن را در ولایات کشور نظر به ضرورت و نیاز سنجی دقیق و مطابق نفوس در نظر بگیرند.

در عدم تحقق این موارد مشکل خواهد بود که میان مردم و حکومت وحدت ملی اعتماد بر قرار گردد. امروز از حکومت گذشته، گذشته از موارد فراوان، عدم اعتماد میان دولت و مردم می باشد و در صورتی دولت وحدت ملی بر این میراث های شوم گذشته پیروز خواهد گردید که در گام نخست یک نوع اعتماد میان مردم و دولت به وجود آید. امروز در عدم یک حکومت کارا در بخش های مالی حکومت، صدا ها و اعتراض های اعضای پارلمان را می شنویم و باور اعضای پارلمان بر این است که در بودجۀ سال ۱۳۹۴ توازن ملی در نظر گرفته نه شده و ولایاتی که در امن زنده گی می کنند از نظر انکشاف و توسعه اجتماعی فراموش شده است و یا در حد اقل آن قرار گرفته شده است و در ولایاتی نا امن برنامه های انکشافی بلند بوده که این ولایات و در شرایط موجود قدرت جذب چنین بودجه های کلان را ندارد، که خود زمینه ساز فساد ادرای بوده می تواند. در صورتیکه در آغاز کار حکومت وحدت ملی چنین صدا های دلخراش به گوش برسد، مردم در یک سر درگمی به سر خواهند برد.

باید عدالت اجتماعی که براینـد آن توزیع قدرت و ثروت در تمام لایحه های مختلف جامعه است در نظر گرفته شود در غیر آن، این شعارهای دولت فقط آهن سرد کوبیدن است و راهی به هدف نخواهد داشت. طی ۱۳ سال گذشته بدون هیچ منطق و نظارت پول های زیاد از کانال های دولتی وغیر دولتی به مصرف رسیده است که خود زمینه ساز فساد مالی را در کشور به وجود آورده است. این ها و موارد دیگر را فقط یک ادارۀ کارا و متعهد انجام داده می توانند، نه افراد گوش به فرمان، مصلحتی و استفاده جو.

مردم افغانستان دیگر تحمل کم کاری های دولت را ندارند و از حکمت های مصلحتی و نزاکت های سیاسی خسته کننده به تنگ آمده اند. مردم افغانستان تشنۀ تغییر و تحول در زمینه های مختلف سیاسی و اجتماعی می باشند، هر نوع سهل انگاری در این زمینه ها قابل بخشش بوده نمی تواند.


یادی از استاد شهید

نوشتهٔ: صبحی غندور مدیر مرکزی گفتگوهای عربی در واشنگتن
مترجم: ع . و از قاهره

ساختار جامعهٔ امریکا مرکب از نژادها و ادیان مختلف می باشد. این تنوع، گاهی منبع تهدید و ضعف و بعضاً از جمله ابزارهای مهم قدرت و امنیت اجتماعی در امریکا محسوب می شود. قانون اساسی و بقیه قوانین محلی امریکا هیچ گونه تبعیض را براساس ویژگی های دینی و یا نژادی قایل نشده است، اما رسانه های امریکا و برخی سازمان ها و نهادهای ملی و محلی در بیشتر از ولایت این تبعیض را علیه اعراب و مسلمان ها طوری که علیه اقلیت های دیگر در زمان و مکان های مختلف روا می دارند.

اینجا لازم هست که تا به موجودیت تفاوت بین نسل های عربی و نسل های اسلامی در امریکا اشاره نمایم. درحالی که این دو نسل پیروان اصول ملی، دینی و نژادهای متنوع هستند، نگاه شهروندان امریکا نسبت به آنها یکسان است. طبق گزارش ها حدود ۸ تا ۹ میلیون آن مربوط به کشورهای غیر عربی و بقیه از کشورهای آسیا و افریقا غیر عربی می باشند. بر علاوه تعدادی از شهروندان امریکایی که اسلام را به عنوان دین شان انتخاب نموده اند اکثریت آنها از افریقا هستند.

همچنان نسل عربی در امریکا دارای ویژگی خاصی هستند، افراد نسل عربی همهٔ شان فرزندان یک فرهنگ کلان اما مربوط به کشورهای و سرزمین متعددی وخرده فرهنگ های هستند. موجودیت این ویژگی پیامدهای بسیار مهم در موجودیت و نقش اعراب در امریکا بازی می کند که آنها از دید جامعهٔ امریکایی و حتی جهان عرب نسل واحد محسوب شده در حالی که آنها در بین خود به نسل های عربی تقسیم و دارای ویژه گی های خاص فرهنگی خود می باشند.

فعالیت و کارکردهای اکثریت نهادهای مدنی عرب ها مبتنی بر کشورهای مربوطه و حتی منحصر به چوکات منطقهٔ خاص در داخل کشورهای عربی است که در امریکا آن را به عنوان کنش از خود ابراز می دارند. این خصوصیت ها منجر به ایجاد مشکلات نقش اعراب در فضای امریکا شده است. یک قرن از آغاز هجرت اعراب به امریکا می گذرد، اما علی الرغم آن، واقعیت عرب ها در امریکا مانند شرایط کشورهای عربی می باشد. یعنی عرب ها در امریکا بطور گسترده و عمیق از تجربهٔ آن کشور که بر اساس اجماع فرهنگ، نژاد و همبستگی ملی در ساختار قانون اساسی که ضامن وحدت ملت امریکا و ایجاد دولت قویترین کشور در جهان امروز می باشد، استفاده نه نموده است.

بیشتر از نصف نسل عرب در امریکا، عرب های مسیحی و بیشتر از نصف، نسل های اسلامی از ریشه های غیرعربی می باشند. پس نمی توان کل آنها را به نام (عرب و مسلمان ها در امریکا) از ناحیهٔ دینی، نژادی، فرهنگی در یک ردیف واحد قلمداد کرد. برخوردهای ناشایست برضد برخی از این اقلیت ها به شکل فردی بدون در نظرداشت عرب و غیر عرب، مسلمان و غیر مسلمان، حتی گاهی این برخوردها با تبارهای سیک که از هند آمده اند و آنها هیچ ربطی به عرب و غیر عرب و مسلمان ندارند، اتفاق افتاده است.

چالش پیش روی اعراب و مسلمان ها در امریکا و غرب

این درست است که موضع و اعلامیه های مسوولان امریکا هرگونه ربط دادن بین اسلام و عرب از یک طرف و تروریست ها و ملت های شان از طرف دیگر را رد کرده اند. مگر برخی رسانه های امریکایی همه اعراب و مسلمان ها را به عنوان منبع ترس و وحشت در امریکا به معرفی می گیرند. در امریکا و غرب خطرات و چالش های جدی آمیخته با تعصب بر علیه عرب ها و مسلمان ها وجود دارد. در جامعه های غربی به ویژه امریکا، واکنش های شان بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ که تمام جهان را متعجب ساخت و به دنبال آن حملات خشونت آمیز تروریستی در اروپا تشدید یافت. مزید بر آن طی سال های پدیدهٔ جدید (داعش) که رفتار غیر انسانی و غیر اسلامی شان تمام جهان را حیرت زده نموده است رفتار شهروند امریکا را در برابر اعراب و مسلمان ها دگرگون ساخته است.

زمانی که متهمین قضایایی ضد انسانی خشم و غضب غربی ها را بر می انگیزد، عرب ها و مسلمان ها در محوریت مظان آنان قرار می گیرد. تبلیغات بنگاه های رسانه ای که بیشتر توسط گروه های صهیونیستی و نژاد پرست راه اندازی می شود مستقیماً مسلمانان و اعراب را نشانه می گیرد و در شکل گیری افکار منفی شهروندن امریکا نسبت به مسلمانان نقش ایفا می کند.

جهل عمومی که نسبت به اسلام و مسلمانان در غرب وجود دارد بر حجم خشم و تبعیض آنان می افزاید. رفتار منفی و غلط تعداد از عرب ها و مسلمان های تازه مهاجر که با فرهنگ غربی نمی توانند سازگاری داشته باشند، خشم و غضب و سوء ظن ایجاد می کند. مشکل اساسی دیگر مربوط به جامعهٔ امریکا می باشد که به طور مشخص اداره های پی درپی دهه های گذشته است در قضایا و مسایل بین المللی نقش داشتند و می خواستند دنیا را یک قطبی بسازند و آن را رهبری کنند، اکنون که شعار گلوبلایزیشن به بن بست مواجه شده است بد بینی فزاینده را نیز در پی داشته است.

شهروندان عادی امریکا از هر شهروند کشور های غربی دیگری در قبال جغرافیه، تاریخ و حتی جغرافیای سیاسی کشور شان جاهل هستند، آسایش و زندگی مرفه، پهناوری سرزمین امریکا، و دور افتادگی کشور از بقیه جهان، اینها همه عواملی هستند که سبب عدم توجهٔ انسان عادی امریکایی نسبت به آن چیزی که در جهان اتفاق می افتد، باشند. لذا هر نوع دروغ و اکاذب را قبول می کنند و بعضی اوقات اداره های امریکا و رسانه های آن کشور از دیگران و جهان دیگر تصویر بد ارائه می دارند که در ذهنیت سازی منفی تأثیرگزار است.

به همین علت است که طی دهه های گذشته توازن میان درگیری رسمی امریکا در قضایا و مسایل جهان و درک شهروندان عادی آن کشور نسبت به این مسایل و آنچه که در جهان بوقوع می پیوندد، موجود نیست. حادثهٔ ۱۱سپتامبر۲۰۰۱ جرقهٔ بیداری شهروندان امریکایی از خواب طولانی بود، اما این بیداری به اثر کابوس وحشت ناک که ناگهان گرفتار آن شدند توازن فزیکی، عقلی و روانی را برهم زد. اکنون مسوولیت رفتار مناسب و تعامل با شرایط حاکم در امریکا و غرب یک مسوولیت دوگانه برای طرفین است. اعراب و مسلمان ها از یک طرف و امریکایی ها و غربی ها از طرف دیگر باید نقش مسوولیت پذیر و رفتار عقلایی و هنجارمند باید با یکدیگر داشته باشند. در امریکا و غرب عدهٔ زیاد از کینه توزان برعلیه مسلمان ها و اعراب تبلیغ می کنند و علاوه بر آن تعداد زیادی از مردم امریکا و غرب می خواهند تا معرفت درست از اسلام و مسایل جهان عرب از منابع اسلامی و عربی بدست بیاورند. اگر غرب در شرایط فعلی نسبت به اسلام، عرب و قضایای عربی براساس جهل قضاوت کنند، برمسلمانان واجب است گفت‌گوی آرام و قناعت دهنده و رفتار تعاملی را که اساساً دین تجویز می کند در پیش گیرند. از طرف دیگر بسیار مهم است که اسلوب گفت‌گوی همیشگی بین نهادی اسلامی و نهادهای رسمی امریکا و غرب از طریق اعلامیه ها، نشست ها و شبکه های اجتماعی صورت گیرد.

په مشرتابه او انسان سازي کې د نبوي سیرت ونډه

دیرشمه برخه

ژباړه: اجرالدین اقبال

پـر مسـلمانانو د مشـرکانو د کړاوونو پړاو

په دي پړاو کي پیغمبر اکرم له هغو لارو ګټه اخسته چي په تېر پړاو کي یي تري نه اخسته؛لکه د وګړیو او ټبرونو له استازیو او مشرانو سره نېغ په نېغه خبري،چي پیغمبر اکرم دا کارونه د حج په موسم کي کول.په دي دوره کي د قریشو مشرکانو پر خپل،کینه او ظلم،له وحي،د خدای له استازي او له هغه دین سره مخالفت ته ملاوي وتړلي،چي د هغوی ګروهو ته یي بي عقلي او ناپوهي ویله .

مشرکانو د "ابوطالب" له لاري رسول اکرم ته پیغام ولېږه؛خو پیغمبر اکرم ورته داسي تاریخي ځواب ورکړ،چي اوس هم په تاریخ کي انګازي کوي:

((تره! که لمر مي په ښي او سپوږمي په کیڼ لاس کي راکړي،چي له خپل رسالته لاس واخلم؛نو هېڅکله به داسي و نه کړم،ځو مي خدای اسلام بریالی کړي او یا مي په دي لار کي ووژني.))

وروسته له دي،چي دي کار یي هم پایله نه درلوده؛نو پر رسول اکرم یي ډول ډول تورونه ولګول؛او یي ځوراوه،له توکانو نیولي تر چټلیو پوري،هر څه یي پري وروآچاوهل او پردي هم یخ نه شول او له کیني یي د پاک نبي له تولي پرګي سره راکړه ورکړه او مري ژوندی پرېښود او د "ابیطالب په دره" کي یي کلا بند کړل او پردي سربېره یي پر هر مسلمان ځورا تېری کاوه؛خو له دي تولو سختیو سره، پیغمبر اکرم پر الهي مرستو او د قرآني احکامو په رڼا،د جاهلیت پردي ځیري کړي او په پراخه سینه،جهاد او استقامت یي د تبلیغ کار په ښه او ښکلي توګه ترسره کړ او اسلام د عربو په تولو ټبرونوکي خپورشو.

حبشي ته هجرت

د بعثت پر پینځم کال،مسلمانانو وړومبی هجرت حبشي ته وکړ، چي د اسلام د ((تبلیغي سیاسي)) چارو د بشپړولو په لړ کي،د پیغمبر اکرم د بهرنیو اړیکو ځېره هم ځرګندوي.

دا هجرت هغه مهال تر سره شو،چي پیغمبر اکرم احساس کړه،چي د مسلمانانو د کړولو مخه نشي نیولای؛نو ځکه یي د ډېر تاوان او احتمالي زیانونو د مخنیوي او د اسلام د تبلیغ او د تبلیغ د وزلو د ساتلو او فعالولو لپاره یي مسلمانانو ته د هجرت سپارښت وکړ او ورته یي وویل:

((حبشي ته هجرت وکړئ،چي عادل پاچا لري،چي په واکمنی کي یي پر چا ظلم نه کېږي او هېواد یي د رښتیاوو ځای دی،چي خدای مو له دي ستونزو وژغوري او پراخي راولي))

او د خپل تره زوی "حضرت جعفر ابن ابیطالب"(رض) یي ددي مهاجرو مشر وټاکه.

په مدینه کي د هستوګني پړاو



له هجرت مخکي،په تولو پړاوونو کي د اسلام د تبلیغ کار په ښه او پوره بڼه ترسره شوي.پیغمبر اکرم له خلکو،د ټبرونو له استازیو او مشرانو سره نېغ پر نېغه خبري کولي؛چي البته دي کتنو پر دواړو اغېز درلود،چي که مشر به راوبلل شو؛ نو د ټبر په مسلمانېدو کي یي ځورا مرسته کوله .

په تبلیغي کړلار کي د نېغ په نېغه کتنو موخه،د بلني پر سرچینه د خلکو د باور راماتول دي،چي همدا اعتماد یي پر ښوونځي د ایمان سرچینه ګرځي.

د "لازرسفیلد" او "کاتز" په ځېر عالمان،په تبلیغ کي،پر نېغ په نېغه رابللو ګروهه لري او دلیل یي هم راوړي:

((خلکو ته اسان دي، چي له هغي بلني سرغړونه وکړي، چي له افکارو سره یي سمون و نه لري؛خو نشي کړای له خپلوانو،ملګرو او همکارانو سره له نېغ پر نېغه خبرو لاس واخلي،په تېره بیا چي کله خبره نوي هم وي او بل داچي نېغ پر نېغه بلنه مقابل لوری راماتوي او ډېر اغېز پري لري.))

د خدای استازی هم له ټبرونو او مشرانو سره د نېغ په نېغه خبرو اترو له ارزښته خبر و.

په مدینه کي تبلیغ

که څه په مکه کي د تبلیغ مثبتي وزلي ډېري لږي وي؛خو په مدینه کي ډېري وي،چي موږ په دي برخه کي نهو ځایو ته اشاره کوو :

۱_ اذان،چي د لمانځه وخت یي اعلاناوه.

۲_ د مدیني له یهودو سره په سوله کي د ګډ ژوند په موخه،نېغ په نېغه خبري اتري.

۳_ د مدیني له ګاونډیانو سره دوستانه اړیکي.

٤_ د اسلامي حکومت استخبارات.

٥_ په کوچنیو او لویو اخترونو او د جُمعي د ورځي د لمانځه په خطبه کي د پاک نبي ویناوي.

٦_ د نورو ټبرونو له مشرانو، استازیو او خلکو سره د پاک نبي خبري اتري او کتني.

۷_ د نوي دین او د پاک نبي په اړه اوازو خلک دي ته اړ ایستل،چي ځان پوه کړي،چي څه خبره ده.

۸_ د پیغمبراکرم جګړي،چي اسلامي تبلیغ ته یي لار پرانسته او د دښمنورچیانو خوله یي ورماته کړه.

۹_ هغه لیکونه،چي پیغمبر اکرم د نړی د بېلابېلو هېوادو پاچایانو ته واستول .

د اسلام نړیواله بلنه

د اسلام سپېڅلي دین،دراښکاره کېدو په وړومبیو ورځو کي په مکه کي خپل انساني او نړیوال هویت ښکاره کړ او اعلان یي کړ،چي نړیوال ښوونځی دی او تبلیغ به یي تر تولو جغرافیایي پولو تېر شي او د انسان بشپړتیا او ودي ته به هر ډول امکانات چمتو کړي.

دا کتنه راښیي،چي اسلام د انسان تولي وسي او اړتیاوي،څنګه چي دي، هماغسي پېژندلي او له مخي یي خپل احکام تنظیم کړي.تر تولو پرېکنده ((نص))،چي ددي دین انسانیتوب راښیي دا آیت دی:

(روم /۳۰)=نو خپل مخ دي د پالونکي (ساهو) دین ته سم کړه، دا فطرت دی چي انسانان پري خدای پیداکړي دي،په الهي پیدابښت کي ادلون بدلون نشته؛دا هماغه سم دین دی؛خو زیاتره خلك نه پوهېږي.))

اسلام یوازېنی ښوونځی دی،چي بي د خلکو له ښکېلولو،د انسانانو د راوېښولو کوښښ کوي او پوهوي یي،چي ازاد دي او باید له تولو کړیو،بندونو او پر ځان او نورو له تېري خلاصون ومومي .

د قرآن مکي سورتونو،د ډول ډول اعتقادي بحثونو تر څنګ،د انسان مادي او معنوي جوړښت او ترکیب هم روښانه کړی او راښیي اسلام انساني ماهیت لري او تول انسانان یي مخاطب دي.

ادامه لری

کنار رفتن چاک هیگل...

در کنگره قرار داشت. اوباما در کنفرانس مطبوعاتی گفت، زمانیکه از چاک خواستم با عنوان وزیر دفاع خدمت کند، ما در حال وارد شدن به دورهٔ مهمی از تغییرات بودیم: خروج سربازان ما از افغانستان، آماده ساختن نیروهای ما برای ماموریت های آینده، و هماهنگی میان ماموریت های آینده و تغییرات بودجه.

این نکته مشخص است که برکناری هیگل از سمت وزارت دفاع نشان از تغییر در سیاست های امریکا در جهان دارد. امریکا در شرایط امروز با چالش های بیشتر از زمان انتصاب هیگل به سمت وزارت دفاع مواجه است. دنیا در حال تغییر است که خود امریکا در این تغییرات نقش داشته است و این بهانه ای است تا امریکا خود را با این تغییرات هماهنگ سازد!

امریکا می خواهد تا به بهانهٔ چالش های جدید در جهان، سیاست جنگی خود را ادامه دهد. هرچند با بقدرت رسیدن اوباما در دور اول ریاست جمهوری اش به نظر می رسید که امریکا با توجه به مشکلات جنگ در عراق و افغانستان، شاید بخواهد در این سیاست تغییر وارد سازد اما قدرت نیروهای جنگ طلب در کنگرهٔ امریکا بخصوص جناح محافظه کاران در حزب جمهوریخواه، مانع تغییر این سیاست گردید. ما نشانه های این تغییر را در افغانستان هم مشاهده می کنیم که کنار رفتن چاک هیگل یکی از این نشانه هاست.

امضای قرارداد امنیتی میان افغانستان و امریکا موجب شد تا جنگ در افغانستان کسب شدت نماید. هرچند بر بنیاد این قرارداد، قرار بود تا امریکا بعد از سال ۲۰۱۴ به تعداد ۹۸۰۰ سرباز در افغانستان باقی بگذارد اما اکنون می گوید که ۱۰۸۰۰ سرباز این کشور بعد از ۲۰۱۴ در افغانستان باقی خواهند ماند.

هرچند مقامات نظامی ناتو در افغانستان می گویند که ماموریت «حمایت قاطع» درافغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ یک ماموریت جنگی نخواهد بود و به آموزش دهی و مشورت محدود خواهد شد اما این تغییر در ماموریت، به معنی پایان جنگ بعد از سال ۲۰۱۵ نخواهد بود.

با توجه به تلفات بی سابقهٔ نیروهای افغان در طول یازده ماه گذشته که به حدود ۵ هزار تن رسید، رئیس جمهور غنی و داکتر عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت جدید از امریکا خواسته اند تا در بیرون کشیدن سربازان این کشور خروج از افغانستان عجله نکنند. در داخل امریکا نیز هرچند حمایت از جنگ امریکا در افغانستان در میان مردم این کشور بشدت کاهش یافته و اکثریت مردم امریکا خواهان پایان طولانی ترین جنگ امریکا هستند اما این نکته مشخص است که سیاست امریکا را مردم کوچه و بازار این کشور تعیین نمی کنند.

هرچند زمامداران افغانستان از امریکا می خواهند تا زمانیکه نیروهای مسلح افغانستان به ظرفیت لازم خویش برای دفاع از کشور نرسیده اند، نیروهای خود را ازافغانستان خارج نسازد اما با توجه به سیاست امریکا در افغانستان که در طول سیزده سال گذشته که در ارتقای ظرفیت این نیروها تلاشی نکرد، در آینده که چالش های بیشتری در جهان متوجه اهداف امریکاست، اگر حضور نیروهای خارجی در افغانستان ده سال دیگر هم ادامه یابد، بعد از ده سال نیز این نیروها به ظرفیت لازم نخواهند رسید و بازهم نیازمند کمک خارجی خواهند بود.

اما چاک هیگل در آخرین سفر خود به افغانستان بعنوان وزیر دفاع امریکا ابراز اطمینان نمود که افغانها در مورد آیندهٔ خود تصمیم گرفته اند و نیروهای نظامی افغان توان دفاع از کشور خود را دارند.

جریان مدغم و منحل سازی بانک‌ها
پیامدهای مثبت و منفی

ادامه از صفحهٔ اول

در مظان گمان ها و با اشکالات فنی و حرفهٔ مواجه بوده است. بانکداری در دیگر کشورها چرخهٔ اقتصادی مملکت را به حرکت در می‌آرد و جریان تولید و کار آفرینی مهمترین پیامد در به‌روزی شهروندان می شود. اما در این جا (افغانستان) هرگاه خبری از تغییر در بانک‌ها رو نما گردد، انبوهی از مشکلات و چالش ها را در پی دارد. چالش هایی که به دلیل نگاه مغرضانه و عملکرد سلیقهٔ ضربات کوبنده را به سهمداران، سپرده گذاران و هم به مدیران و مجریان در قبال دارد.

به طور نمونه طی چند سال گذشته چهار بانک دولتی که عبارت اند از بانک رهنی و تعمیراتی، بانک زراعتی، بانک توسعه و صادرارت، بانک انکشاف و صادرات ملغی و منحل شدند، این بانک ها میلیون ها دالر سرمایه‌های نقدی و جایداد داشتند که از سرنوشت آنان تا کنون به هیچ مرجعی خبر داده نشده است. معلوم نیست که این دارایی ها به جیب چه کسانی و کدام مرجعی،سرازیر شده اند؟ و هیچ مرجعی حکومتی به ویژه دست اندرکاران سکتور مالی در زمینه پاسخ نه گفته اند. از پیامدهای منفی دیگر این گونه منحل سازی ها بیکاری صدها و هزاران کارمندی بود که سال ها در این نهادها کار می کردند و به قول معروف نان آورخانه های خود بودند. پس از اعلام مدغم شدن سه بانک در یک بانک (قوی) از کارمندان کابل بانک نو شنیدم که با اجرایی شدن این طرح۳۰ درصد از کامندان کابل بانک نو تنقیص می شوند. قرار معلوم کابل بانک نو بیش از دو هزار کارمند دارد. در صورتی‌که سی درصد آنان در تنقیص برابر شود، حدود ۷صد نفر را در بر می گیرد. به همین گونه اگر آفت تنقیصات دامن کارمندان پشتنی بانک و بانک ملی را بگیرد در حدود دو هزار نفر تنقیص می شوند که جمعاً۲۷۰۰ نفر را در بر می گیرد. در شرایطی که حکومت وحدت ملی تاهنوز موفق به معرفی وزرای کابینه نه شده است، چگونه می تواند به این زودی ها زمینهٔ کاریابی را به صدها شهروند بی کار مهیا سازد.؟ آن هم در شرایطی که از چندین ماه بدین سو جریان استخدام به رکود مواجه شده و هزاران جوان کشور بی کار و بی روزگار به سر می برند. اکنون وقتی صدای پای مدغم سازی این بانک ها بگوش می رسد، یک بار دیگر تجربه های گذشته در اذعان کارمندان این بانک ها متبلور می شود و خبر از آیندهٔ بیم ناک دارد.

چرا این بانک ها مدغم و یا منحل می شوند؟

وزارت مالیه گفته است که نقاط قوت و ضعف این سه بانک را بررسی کرده و هدف اساسی یکجا شدن این بانک ها این است که با ادغام آنها، یک بانک قوی با سیستم پیشترفته ایجاد شود، تا بتواند با بانک های خصوصی رقابت کند. وزارت مالیه گفته است که خدمات بانکداری به سطح ملی و بین المللی را در سه سال آینده به سطح ولسوالی ها و در پنج سال آینده به سطح قریه های افغانستان برای مردم ارائه کند.

وزارت مالیه باورمند است که با وام گیری از سیستم پیشرفتهٔ کابل بانک و نمایندگی های بانک های دولتی ممد و مصدر ارائه خدمات گردد. بانک ملی و پشتنی بانک، دو بانک دولتی است که از سال ها بدین سو، در کشور فعالیت می کنند، اما به جز از اجراآت دولتی مانند تأدیه صرفیهٔ آب و برق و تکس و مالیات، مشتریان خصوصی بیشتری را مانند بانک های خصوصی در اختیار ندارند. از سویی هم کابل بانک پیشین که چهار سال قبل با بحران مالی مواجه و ورشکست شد، مدیریت آن را وزارت مالیه با پرداخت بیش از هشت صد میلیون دالر به عهده گرفت و نامش را کابل بانک نو گذاشت.

این پول ها معمولاً به مشتریانی پرداخت گردید که سپرده های خود را نزد کابل بانک گذاشته بودند و پس از افلاس و کمبود نقدینه‌گی هنگام مراجعه به آنان پرداخت گردید. کابل بانک در سال ۲۰۰۴ تأسیس و به عنوان بزرگترین بانک خصوصی در میان سایر بانک های خصوصی از شهرت زیاد برخوردار گردید. به گونهٔ که توانست در مدت کم اعتماد مردم را جلب نماید.

پس از سال ۲۰۱۰ این بانک به بحران رفت و بزرگترین پروندهٔ فساد را در افغانستان رقم زد. به حدی که مراجع کمک دهنده و صندوق وجهی بین المللی پول، کمک های خود را به افغانستان قطع کردند و هرگونه کمک را منوط به روشن شدن اختلاس های مالی کابل بانک نمودند.

در پروندهٔ فساد کابل بانک نزدیک به یک میلیارد دالر اختلاس شد و تا کنون مدیریت تصفیهٔ کابل بانک توانسته است مبلغ کم آن را که گفته می شود نزدیک به دوصد و چند میلیون دالر است، جمع نماید.

پول های اختلاس شدهٔ کابل بانک در تبانی مقامات ارشد وزارت مالیه و بانک مرکزی به بیرون کشور رفته و به حسابات نامعلوم و افراد مجهول الهویه قرض داده شده است. از این گذشته وقتی پای سیاست وارد کابل بانک شد، روند تخلیه و بحرانی شدن آن افزایش یافت. این حرف ها هم سر زبان هاست که گویا پول های کابل بانک بیشتر در کمپاین مبارزاتی حامد کرزی در سال ۲۰۰۸ به مصرف رسیده باشد. مضاف بر آن رئیس جمهور اسبق طی فرمان در سال ۱۳۹۱ بیش از چهل میلیون دالر را که تحت عنوان تکتانه بود، بخشش نمود و مقروضینی که بیشتر شان نزدیکان وی و حلقات منوط به ارگ بودند، از تکتانه معاف شدند و اصل پول را که سال ها تجارت کرده بودند و به سرمایه های هنگفت دست یافته بودند، مسترد کردند. از سوی هم کابل بانک نو، سالانه دوصد میلیون افغانی ضرر می کند و پول این ضرر از بودجهٔ دولتی پرداخت می شود. در عین حال درنبود درآمد بانکی از طریق دوران پول در پروژه هایی تولیدی این بانک، بیش از ۲۰۰ میلیون افغانی سالانه بابت کرایهٔ نمایندگی هایش از بودجهٔ حکومتی در مرکز و ولایات تأدیه می کند. قرار بود کابل بانک نو به رقابت آزاد گذاشته شود و از طریق رقابت به فعالیت های خصوصی خود ادامه بدهد. اما معیارها برای به دست گرفتن این بانک را هیچ یک از مشتریان تکمیل نکرد و بدینگونه وزارت مالیه طرح ادغام سه بانک را ارائه کرد.

پایان ماموریت ناتو در افغانستان



عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

ماموریت ناتو در افغانستان پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی پس از آنکه دو برج تجاری در امریکا تخریب گردید، این ماموریت در افغانستان آغاز گردید و در نتیجه حملات ناتو بر طالبان این گروه نابود گردیدند و ادارهٔ جدید تحت ریاست حامد کرزی بوجود آمد. ناتو ظرف سیزده سال در افغانستان بر کار مبارزه و آموزش نیروهای امنیتی کشور ادامه داد و سر انجام پرچم ناتو به تاریخ ۸ دسامبر مطابق ۱۷ قوس ۱۳۹۳ از آسمان افغانستان فرود آمد. بر اساس توافق نامهٔ افغانستان و ناتو، قرار است کشورهای عضو ناتو پس از خروج وظیفهٔ آموزش و مشوره دهی نیروهای امنیتی را به عهده گیرد و این وظیفه به نام (حمایت قاطع) ناتو در افغانستان پس از خروج نامگذاری شده است. وظیفهٔ آموزش و مشوره دهی ناتو با آغاز سال ۲۰۱۵ به پیش برده می شود. ماموریت ناتو در دو حوزه نظر به توافق بدست آمده صورت می گیرد. یکی از این وظایف حمایت مالی از نیروهای افغان است که سالیانه کشورهای ناتو ۵,۱ میلیارد دالر را برای تمویل و تجهیز نیروهای امنیتی افغانستان کمک می کند.

وظیفهٔ دیگر ناتو در سال جاری حمایت قاطع از نیروهای امنیتی افغانستان می باشد. بر اساس این توافق ماموریت جنرال ها و مربی های ناتو به آموزش نیروهای افغان می پردازد. بلند بردن ظرفیت کاری نیروهای مسلح از وظایف مهم ناتو پس از خروج آن ها از افغانستان می باشد. از ماه جنوری سال آینده ۱۳۰۰۰ سرباز خارجی در کشور باقی می ماند. این تعداد از نیروهای خارجی در صورتی در افغانستان جنگی باقی می مانند که در سال ۲۰۱۱ این تعداد به ۱۴۰ هزار نفر می رسد. هرچند ماموریت جدید ناتو آموزش و مشوره دهی به نیروهای افغان گفته شده است؛ اما بارک اوباما رئیس جمهور ایالات متحدهٔ امریکا قبلاً فرمانی را به امضا رسانیده است که به موجب آن نیروهای امریکایی در صورت لزوم از سال ۲۰۱۵ به بعد می توانند در ماموریت های جنگی با افغان ها سهم بگیرند.

برخی از تحلیلگران امریکایی تمدید ماموریت جنگی نیروهای امریکایی را تا ختم سال ۲۰۱۵ ریشه در قضاوت مردم امریکا می دانند. نظر به تحلیل نیویارک تایمز، اوباما نگران تکرار سناریوی عراق در افغانستان می باشد و در صورت تشدید جنگ در افغانستان و نا امنی های بیش از حد به وسیلهٔ طالبان در این کشور، وی را مقصر خواهند دانست. نیروهای امریکایی تا ختم سال ۲۰۱۵ نیروهای هوایی افغانستان را کمک خواهند کرد و در صورت لزوم با افغان ها یکجا خواهند رزمید. مخالفان اوباما حضور این نیروهای امریکایی را در افغانستان خلاف تعهد این کشور دانسته و خواهان خروج نیرو های امریکایی از افغانستان اند. بر خلاف جنرال ها و نظامیان امریکایی طرفدار تمدید ماموریت نیرو های امریکایی در افغانستان اند.

نیویارک تایمز گفته است که وقتی در موجودیت بالاتر از ۱۰۰ هزار سربازان امریکایی و ناتو، نتوانسته اند دژ مستحکم طالبان را تسخیر و امنیت را در این کشور بوجود آورند، حالا چگونه می شود با شمار محدودی از نظامیان به هدف خود برسند. امروز از دید امریکایی ها و تحلیلگران خارجی پنهان نمانده است که عقبه استراتیژیک طالبان در جنگ افغانستان قلمرو پاکستان می باشد و تمام منابع و نهاد های ملکی و نظامی این کشور در خدمت این گروه قرار دارند. از مدرسه تا درمانگاه، از سازمان های استخبارات تا مذهبی و مدارس دینی در اختیار طالبان قرار دارند. کویته به مثابهٔ پایتخت غیر رسمی طالبان عمل می کند. حتی جنرالان امریکایی گفته اند که شبکهٔ حقانی بازوی عملیاتی استخبارات نظامی پاکستان است.

ناتو در شرایطی افغانستان را ترک می کند که این کشور فاقد نیروهای هوایی و سلاح های پیشرفته در برابر مخالفان آبدیده و همسایه های طماع می باشد. به گفتهٔ یک جنرال انگلیسی رشد نیروهای هوایی افغانستان سه سال را در بر خواهد گرفت. دیوید کامرون صدراعظم انگلیس گفته است که، سایر کشورها باید پوشش هوایی برای افغانستان فراهم کنند. از خروج نیروهای خارجی در افغانستان اشرف غنی در نشست لندن استقبال کرد و از توانمندی های اردو سخن گفت، در حالی که دکتور عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی در مصاحبه با روزنامهٔ سندی تایمز گفته است که نیروهای تحت حمایت ناتو در این خروج از عجله کار گرفته اند.

به باور برخی از کشورها حضور ناتو در حقیقت تداوم جنگ در این کشور است. بد گمانی همسایه ها و قدرت های منطقه یی این حضور ناچیز را با دیدهٔ شک و تردید می نگرد و این حضور را بهانه یی از سوی مخالفان برای تداوم جنگ می دانند. ناتو در اوضاع و شرایطی افغانستان را ترک می نماید که در ماموریت خود که همان ثبات و استقرار است ناکام بوده و حملات مخالفان شدت بیشتر یافته است.

امروز اردوی افغانستان فاقد سلاح های پیشرفته، جیت های جنگی و پوشش هوایی می باشد. عقیده بر این است که نه ناتو و نه هم سیاست گذارن افغانستان ارادهٔ قوی در براندازی دهشت افگنان نداشته اند. نیروهای ناتو و کشورهای چندین ملیتی که بالاتر از ۳۰ کشور می باشد، به اهداف خود متوسل نشده اند. امروز ناتو وارد فاز نوین خود در افغانستان می گردد.

ناتو در برنامهٔ بعدی خویش نه در جبهه های جنگ؛ بلکه در کارگاه های آموزشی نیروهای افغان حضور خواهند یافت. امروز جای ده ها هزار سرباز ناتو را که ظرف ۱۳ سال در افغانستان حضور داشتند، ۱۳ هزار سرباز ناتو می گیرد که بیشترین آن را نیروی امریکایی تشکیل می دهد.

گمانه زنی هایی وجود دارد که نیرو های امریکایی در صورت ضرورت، نیروهای افغان را در میدان های جنگ و مبارزه با مخالفان تنها نخواهند گذاشت. خروج نیرو های ناتو از افغانستان در شرایطی پایان می یابد که آهنگ حضور قدم های داعش در کشور شنیده می شود. موجودیت افراد این گروه در مرزهای افغانستان و پاکستان زنگ خطری است که کشورهای آسیای میانه؛ به ویژه روسیه و متحدان آن را نگران ساخته است. این خطر وجود دارد که افغانستان و پاکستان در آیندهٔ نزدیک عقبهٔ استراتیژیک و مناطق آرام بخش در مرزهای این دو کشور برای نیروهای افراطی دیگر گردد.

مبارزه با یک چنین پدیده، مبارزهٔ منطقه یی را مطالبه می نماید؛ زیرا مرزهای افغانستان و پاکستان جا های امن برای آن افراد افراطی خواهد بود. حضور نیروهای داعش خطر بزرگی برای کشورهای آسیای میانه، هند و سایر کشورها خواهد بود. بنا بر این نیروهای جهان در برابر یک پدیده یی خطرناکتر از گذشته قرار خواهند گرفت. خروج نیروهای ناتو از افغانستان دشواری های بزرگی را برای منطقه؛ به ویژه افغانستان به جا خواهد گذاشت. حضور نیروهای ناتو تجربهٔ تلخی است که باید در حافظهٔ تاریخ کشورها تسجیل گردد. فقط نیروهای ملی و داخلی است که می توانند به کمک نیروهای بین المللی و صلح دوست، مشکلات شان را از نواحی امنیت، اقتصاد و انکشاف مرفوع سازند، نه ساز و برگ های نظامی که هیچ هدف ملی را در بر نداشته باشند.

متن پیمان امنیتی کابل - واشنگتن ۸

ماده بیست و دوم؛ دعاوی

.1هر یک از ۲ طرف از ه گونه دعوا (به استثنای دعاوی ناشی از تطبیق قرارداد) علیه یکدیگر مبنی بر وارد شدن خسارت، ضایع شدن و یا تخریب دارائی یا جراحت یا فوت اعضای نیروهای ایالات متحده یا نیروهای دفاعی و امنیتی ملی افغان و بخش‌های غیرنظامی این نیروها که حین وظیفه رسمی واقع می‌شود، انصراف می‌کنند.

.2برای دعاوی که طبق بند ۱ این ماده استثنا قرار نمی‌گیرند، مقامات ذیصلاح نیروهای ایالات متحده مکلف به پرداخت جبران خسارت عادلانه و مناسب برای حل دعاوی بر حق شخص ثالث ناشی از عملکرد و یا غفلت وظیفه‌ای پرسنل نظامی و بخش غیرنظامی آن حین انجام وظیفه رسمی و نیز دعاوی ناشی از حادثه مربوط به فعالیت‌های غیرجنگی نیروهای ایالات متحده، می‌باشند. این گونه دعاوی از جانب مقامات نیروهای ایالات متحده طبق قوانین و مقررات ایالات متحده و با رعایت کامل قوانین، سنن و عنعنات افغانستان، طی مراحل و تصمیم می‌گردد.

.3مسئولین نیروهای ایالات متحده هرگونه گزارش مبنی بر تحقیقات و پیشنهاداتی را که مقامات افغانستان در مورد مسئولیت مدنی یا میزان جبران خسارات وارده به منظور حل دعاوی شخص ثالث تهیه کرده است، در نظر می‌گیرند.

.4حل و فصل و یا رسیدگی به دعاوی مربوط به قراردادها باید طبق شرایط مندرج خود قراردادها صورت گیرد.

.5بر حسب درخواست یکی از ۲ طرف، مسائل ناشی از تطبیق این ماده باید توسط طرفین در اسرع وقت و از طریق کمیسیون مشترک مورد بررسی و مشورت قرار گیرد.

ماده بیست و سوم؛ ضمایم

تمامی ضمایم مربوط به این قرارداد جز جدا ناپذیر آن محسوب شده و می‌توانند با توافق کتبی طرفین تعدیل گردند.

ماده بیست و چهارم؛ اختلاف نظر و تطبیق قرارداد

.1هرگونه اختلاف نظر و یا منازعه در خصوص تفسیر و تطبیق این قرارداد باید از سوی افراد با صلاحیت از طریق مشورت میان طرفین حل گردیده و نباید به هیچگونه دادگاه ملی یا بین‌المللی، دیوان محاکمات و یا نهاد مشابه و یا طرف ثالث به منظور حل و فصل ارجاع گردد.

.2طرفین یا نمایندگان اجرایی آن‌ها می‌توانند از طریق کمیسیون مشترک روی اتخاذ تدابیر اجرایی و دستورالعمل‌های مربوط به تطبیق احکام مندرج این قرارداد، توافق کنند.

.3همکاری‌ها در چارچوب این قرارداد تابع قوانین و مقررات نافذه کشورهای متبوع طرفین بشمول قوانین تخصیص بودجه‌شان می‌باشد.

.4مسئولین نیروهای ایالات متحده در مقابل خدمات و اموالی که تقاضا و دریافت می‌کنند قیمت مناسب و مطابق بازار را بدون مالیات می‌پردازند.

ماده بیست و پنجم؛ کمیسیون مشترک

.1طرفین بدینوسیله کمیسیون مشترکی را برای نظارت از تطبیق این قرارداد، ایجاد می‌کنند. این کمیسیون از جانب نمایندگان اجرائی ۲ کشور مشترکاً ریاست می‌شود. در ترکیب این کمیسیون نمایندگان سایر نهادهای حکومتی نیز می‌توانند به پیشنهاد مسئولین اجرائی و تائید طرفین منصوب شوند.

.2کمیسیون مشترک بر حسب ضرورت باید دستورالعمل کاری خویش را ایجاد کرده و ادارات کمکی مانند گروه‌های کاری و خدمات اداری را ایجاد کند. هر نماینده اجرائی مسئول پرداخت مصارف مربوط به اشتراک خویش در کمیسیون می‌باشد.

.3کمیسیون مشترک وظیفه دارد تا اطلاعات را بر حسب ضرورت با گروه کاری همکاری‌های امنیتی و دفاعی که طبق موافقتنامه همکاری‌های استراتژیک ایجاد شده است، هماهنگ نموده و در میان گذارد.

ماده بیست و ششم؛ انفاذ، تعدیل و فسخ قرارداد

.1این قرارداد از تاریخ اول ژانویه ۲۰۱۵ میلادی پس از آن نافذ می‌گردد که طرفین از مجاری دیپلماتیک در مورد تکمیل شرایط قانونگذاری داخلی‌شان که برای انفاذ این قرارداد لازم می‌باشد، به یکدیگر اطلاع دهند. این قرارداد الی پایان سال ۲۰۲۴ میلادی و فراتر از آن نافذ می‌باشد، مگر اینکه به تأسی از حکم بند ۴ این ماده ملغی گردد.

.2بعد از انفاذ، این قرارداد جایگزین یاداشت‌های تبادل شده ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۲، ۱۲ دسامبر ۲۰۰۲ و ۲۸ می ۲۰۰۳ مبنی بر چگونگی حضور نیروهای نظامی ایالات متحده در افغانستان می‌گردد. این قرارداد همچنین تمامی توافقات و تفاهمات مغایر احکام این قرارداد را که درگذشته میان طرفین با تبادل یادداشت‌های دیپلماتیک صورت گرفته است، ملغی قرار می‌دهد.

.3این قرارداد می‌تواند با توافق کتبی طرفین از طریق تبادل یادداشت دیپلماتیک تعدیل گردد.

.4این قرارداد می‌تواند با توافق کتبی طرفین و یا توسط هر یک از ۲ طرف با ارائه اطلاعیه کتبی ۲ سال قبل به طرف دیگر از طریق مجاری دیپلماتیک فسخ گردد. فسخ ضمایم و یا تدابیر اجرایی این قرارداد نمی‌تواند باعث فسخ این قرارداد شود. اما، فسخ این قرارداد می‌تواند مطابق این بند منتج به فسخ تمامی ضمایم و تدابیر اجرایی آن گردد.

به این ترتیب، ذیلاً نمایندگان با صلاحیت هر ۲ دولت این قرارداد را امضا کرده‌اند.

این موافقت نامه در روز....... ماه نوامبر سال ۲۰۱۳ در سه نسخه به زبان‌های انگلیسی، دری و پشتو که هر کدام دارای اعتبار مساوی می‌باشد، به امضا رسیده است.

از جانب دولت جمهوری اسلامی افغانستان　　　　از جانب ایالات متحده آمریکا

ضمیمه الف

فهرست مکان‌ها و تأسیساتی که توسط افغانستان برای دسترسی و استفاده نیروهای ایالات متحده در افغانستان در نظر گرفته شده است.

(ساحات و تأسیسات مورد توافق)

کابل، بگرام، مزارشریف، هرات، قندهار، شوراب (هلمند)، گردیز، جلال آباد، شیندند

تأسیسات و مکان‌های توافق شده همچنین شامل تأسیسات و مکان‌هایی می‌شود که ممکن است تا تاریخ آغاز انفاذ این قرارداد از جانب ایالات متحده امریکا استفاده شوند و یا هم شامل آن تعداد از تأسیسات و مکان‌هایی در مناطق دیگر افغانستان می‌شود که ممکن است در آینده روی آن توافق شده واز جانب وزیر دفاع افغانستان اجازه داده شود.

ضمیمه ب

نقاط رسمی ورود و خروج

فرودگاه بگرام، فرودگاه بین‌المللی کابل، فرودگاه قندهاره، فرودگاه شیندند، فرودگاه بین‌المللی هرات، فرودگاه مزار شریف، شوراب (هلمند)،

بنادر زمینی:

تورخم، ولایت ننگرهار، سپین بولدک، ولایت قندهار، تورغندی، ولایت هرات، حیرتان، ولایت بلخ، شیرخان بندر، ولایت قندوز. همچنین سایر نقاط رسمی ورود و خروج که ممکن است در آینده از جانب طرفین روی آن توافق صورت گیرد

پایان

از دردهای پیدا و پنهان مردم

□ فقیری

چقدر سنگین و جانسوز است، خبر شهادت یک عسکر و صاحب منصب افغان که در جبهات جنگ با تروریستان به شهادت می رسد و خانوادهٔ او، فرزند او مادر و پدر او، دوستان و خویشاوندان او و سرانجام همکاران و هم مسلکان او از این خبر، روح و روان شان اذیت می بیند و بار این غم و اندوه را سالها به دوش می کشند...

چقدر دردناک و تکان دهنده است خبر یک انفجار و انتحار در شهری که جنازهٔ توته توته شدهٔ یک برادر یا خواهر افغان را به دست تروریست ها به شهادت رسیده، به صورت ناگهانی به منزل آنان می آورند و همه را در ماتم می نشانند... چقدر درد آورست خبر یک حادثهٔ ترافیکی یک جوان، یک پیر مرد، یک طفل یا خانم که به شهادت می رسد و خانوادهٔ او در غم و الم دردناک بسر می برند.

چقدر غم آور و اندوهگین کننده است که مریض را برای تداوی به پشاور می برند و جنازهٔ او را با امبولانس به افغانستان می آورند و...

این ها، همه دردها و رنج های مردم ما است ولی دردها و رنج های دیگری نیز مردم ما دارند که بعضی درد دل خود را پوشیده نگه می دارند و می گذرد از رنج و سختی که بر آنان می گذرد...

یک درد مهم مردم ما، ازدواج و خویشاوندی با افراد افغانی و دارای تابعیت دوگانه است! یک دختر افغان و یا پسر افغان با یکی از افغان های مقیم در خارج (امریکا، اروپا، کانادا، و استرالیا و...) ازدواج می کنند. خواستگارها از یک دختر افغان و مقیم در افغانستان خواستگاری می کنند تا او را به پسر یک افغان و مقیم در خارج عروسی کنند! تعدادی از افغانها اصلاً راضی نیستند و تعدادی نه تنها راضی بلکه، افتخار نیز می کنند که داماد شان مقیم خارج است! این ها تصویر هایی از خارج را دیده اند و یا در تلویزیون مشاهده کرده اند... بسیار تعمیرها و ساختمان های زیبا و دیدنی را... اما دخترک شان که به خارج می رود، اکثر در آپارتمان ها زندگی می کند و بعد از مدتی به کار می رود... در بسا اوقات، ساعات کار پسر و دختر چنان متفاوت است که فقط ساعاتی یکدیگر را می بینند و بس! در آرزوی ساعاتی اند که کسی به زبان افغانی با ایشان صحبت کند. بعضی ها حد اقل دو سال و یا شش سال نمی توانند که طبق پروگرام همان دولت ها به کشور خویش (افغانستان) بر گردند و مادر و پدر و برادر و خواهر خود را ملاقات نمایند!

مادر و پدر در هجر دختر با گذشت ماه ها، دلتنگ و روح شان آزرده و پریشان می گردد و دختر نیز در یاد مادر و پدر و محیط خانه رنج فراوان می بیند و سرانجام صاحب فرزند و فرزندها می گردند... این فرزندان نمی توانند که به زبان مادری و افغانی شان صحبت کنند و از کودکی زبان خارجی را یاد می گیرند و سرانجام با زبان افغانی خدا حافظی می کنند!

این فرزندان زبان خارجی را بلد هستند و با کامپیوتر آشنایی دارند ولی با عرف و عادات افغانی و با رسوم و عنعنات و آداب اسلامی با تاسف که در اکثر موارد بی اطلاع و بی خبر اند! هرگاه به منزل و آپارتمان شان بروی، سلام و علیکم را یاد ندارند و بفرمایید در خانه تشریف بیاورید و... را اصلاً بلد نیستند و در دنیای دیگر زندگی می کنند!

واقعیت های زندگی در خارج، بسیار مشکل است که بیان شود و زبان توان گفتن آن را ندارد و تعجب می کنیم به صف های طویل مردان و زنانی که در پشت دروازه های دفاتر ملل متحد و یا سفارت ها در پاکستان و ایران، ایستاده اند و هوس و آرزوی آن دیار را دارند!

اگر جنگ و نا امنی نباشد، یک لقمه نان حلال در کشور خود ما میلیون ها مرتبه از زندگی در خارج شرف دارد، درست است که ما در خارج و یا به پول سوسیال، پولدار می شویم و زندگی ظاهری ما با مردم در افغانستان بسیار فرق پیدا می کند اما بسیار کم اند کسانی که در خارج، افغان و مسلمان مانده و فرزندان شان نیز افغان و مسلمان باقی مانده اند. گرچه نمی توان همه را به یک سنگ وزن کرد افرادی اند که در خارج، قاری قرآن شده اند. اما باید هوشیار بود که قصهٔ مردم روسیه در زمان کمونیسم تکرار نشود، جایی که علامه اقبال گفته بود:

روسیان نقش نوی انداختند
آب و نان بردند دین در باختند

د پاکستان امنيتي او سياسي ...

ليکل شوي کتاب کې پرده پورته کړې وه. هغه اوس د پاکستانی پوځ يو سخت مخالف گرځولی دی او ځکه خو يې پاکستاني مقاماتو يو ځل بيا د نېولو حکم صادر کړی، چې پدې لړکې له افغان دولت او امريکايانو څخه مرسته غواړي.

د مسلم دوست او لطيف الله مسيد پاکستان ته سپارل، چې لومړی سپارل شوی دی. د افغانستان دولت لپاره گواښونه او تنگوني هم ولاړولی شي؛ ځکه د لطيف الله مسيد په هکله ويلې کيږي چې نوموړي غوښتل د افغاني طالبانو له افغان دولت سره د سولې په ليار کې رول ولوبوي او د افغانستان له خاوري څخه يې د امريکايانو په لاس پاکستاني دولت ته سپارل د افغان دولت استقلاليت له پوښتنې لاندې راولي. همدارنگه مسلم دوست يو افغان دی او د افغان دولت لخوا يې پاکستاني دولت ته د سپارلو لپاره مرسته د پاکستان لخوا غوښتنه مناسبه غوښتنه نده. پاکستان چې پدې وروستيو کې د خپلو سياسي او امنيتي مخالفينو لخوا له گواښ سره مخ دی، دا ډول غوښتنې يې له افغان دولت څخه د دی غمازي کوي چې امريکايانو په سيمه کې د نا امنيو د ډېرولو او ديوې نوې جگړې د پيلولو ښايي تابيا نيولی وي. مگر په سيمه کې روانه جگړه هغه څه دي چې که ژر تر ژره د سولې له لياري ختمه نشي، ښايي نوره هم اوږده شي او د دولت مخالفو طالبانو ته د جگړې په انگيزې برأبرولو کې مرسته وکړی. نو ځکه بايد افغان دولت پدې هکله له سياسي بصيرت څخه کار واخلي او د امريکايانو سره تعامل يې بايد په هغو عنيکو ونه ليدلي شي چې د ولسمشر غني پاکستان ته وروستي سفر پرمهال د نواز شريف او پاکستاني پوځي کړيو سره پټو مذاکرات ورڅخه غمازي کړي؛ نو د سيمې د دواړو هيوادونو چارواکو ته پکار ده چې په خپلو خاورو کې د امريکايي بې پيلوټه الوتکو د بمباريو په مخنيوی سره د دې زمينه برابره کړي چې وسله وال مخالفين يې ورسره د جگړې پرځای د سولې ليار ونيسي؛ ځکه هر هغه هيواد چې په خپل قلمرو کې د مخالفينو سره جگړه په هوايي بمباريو سره پر مخ بوځي، د هغې د مخالفينو دايره نوره هم پراخيږي او په جگړه کې د برلاسی. پرځای د ولس دښمنی سره مخ کيږي او دا تجربه په افغانستان او پاکستان (د سيمې دواړو هيوادونو) کې وليدل شوه، چې ورځ تر بلې د دواړو دولتونو د مخالفينو شمېره ډيريږي.

شکنجه گران سیا در...

مخالفین این اقدامات در کنگره، مقامات سیا را به گمراه کردن دولت امریکا و دادن اطمینان های غلط در مورد اقدامات شان متهم می کنند و می گویند که شکنجهٔ زندانیان هیچ کمکی به پیشگیری از اقدامات تروریستی نکرده بود. اطلاعات بدست آمده از زندانیانی که شکنجه شدند یا ناقص و یا نادرست بود و زندانیان بخاطر نجات خود از شکنجه و درد، داستان جعل کرده بودند. آنچه که در این گزارش آمده به هیچ صورت تازگی ندارد و در گذشته نیز گاه گاهی از زبان زندانیانی که از گوانتانامو آزاد شده بودند، شمه ای از این شکنجه ها بگوش رسیده و عکس ها و حتی ویدئو هایی هم از شکنجه ها منتشر شده بود. اما نشر رسمی این گزارش در این برهه از زمان سوالاتی را بمیان می آورد.

در گزارشی که به نشر رسیده هیچ اشاره ای در مورد زندانیانی که دست به خودکشی زدند نمی یابیم. زندانیانی که به دلیل شکنجه های روحی بحدی تحت فشار قرار گرفتند که دست به خودکشی زدند و بعد از خودکشی آنان، مقامات سیا گفتند که خودکشی آنها هم یک دسیسه علیه امریکا بود!!

در سال ۲۰۰۷ خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش داد که یک زندانی زندان گوانتانامو ده بار تلاش به خودکشی نموده اما زندانبانان مانع خودکشی وی شده اند. وی به دلیل نامعلوم بودن سرنوشتش امیدوار است که سرانجام موفق شود تا خود را بکشد.

این زندانی ۳۳ ساله که جمعه محمد الدساری نام داشت در نامه ای که توسط این خبرگزاری به نشر رسید نوشته بود که ما در اینجا به بدترین ظلم و شکنجهٔ بدنی مواجه هستیم.

تا سال ۲۰۱۲ لااقل هفت زندانی در زندان گوانتانامو خودکشی کردند که هفتمین زندانی «عدنان عبداللطیف» ۳۲ ساله اهل یمن بود. سه ماه بعد از مرگ وی مقامات امریکائی اعلام نمودند که دلیل مرگ، عبداللطیف خودکشی بوده است و دیوید رمز وکیل مدافع عبداللطیف گفته بود که موکلش در اثر استفادهٔ بیش از حد دارو مرده و در زندانی که تحت مراقبت شدید قرار دارد، وی به ارادهٔ خود نمی توانست این کار را بکند. او از بیماری نفس تنگی رنج می برد اما هیچ مراقبت طبی از وی بعمل نیامد و ظاهراً در سلول خود رها شده بود.

به احتمال قوی عبداللطیف به دلیل مریضی، مزاحم برای زندانبانانش بشمار می آمد و آنها نیز ترجیح دادند این مزاحم را بکشند با توجه به شرایط مرگ این زندانی، وکیل وی مدعی شد که امریکائی ها بدون اینکه رد پائی از خود برجا بگذارند، موکلش را کشته اند. این زندانی مدت ۱۱ سال را در گوانتانامو بدون اینکه به وی تفهیم اتهام گردد، گذراند.

هرچند باراک اوباما رئیس جمهور امریکا قبل از رسیدن به مقام ریاست جمهوری وعده داده بود که این زندان را خواهد بست اما به این وعدهٔ خود وفا ننمود.

وکلای یکی از زندانیان بعد از دورهٔ اول ریاست جمهوری اوباما به خبرگزاری فرانسه گفته بود که شرایط زندان گوانتانامو و روند قضائی آن در دورهٔ باراک اوباما نه تنها بهتر نشده بلکه، سخت تر و بدتر شده است.

***

نگاهی به این گزارش نشان می دهد که در مقایسه با آنچه که واقعاً در گوانتانامو اتفاق افتاده، این گزارش فقط به موارد کم اهمیت تر پرداخته تا جنایات هولناکی را که در این زندان اتفاق افتاده است، کتمان کند. بعنوان مثال زندانیان آزاد شده از زندان گوانتانامو از وجود یک بلاک مستقل برای زندانیانی که تعادل عصبی خود را از دست دادند و دیوانه شدند، سخن گفته اند. گاهی زندانیان دیگر را برای شکنجه به سلول همین دیوانه ها می برند تا به این وسیله آنها را از طریق بی خوابی شکنجه بدهند.

در این گزارش به شکنجه از طریق بی خوابی دادن اشاره شده اما در مورد گرسنگی دادن های طاقت فرسای زندانیان سخنی در میان نیست.

زندانیان آزاد شده از تحقیقات مسخرهٔ امریکائی ها از آنان سخن می گویند بعنوان مثال به یک زندانی گفته شده بود که ما پدرت را دستگیر کرده ایم که در مورد تو به ما حقایق را گفته است و می خواهیم او را با تو مقابل سازیم. زندانی به مسول تحقیق گفته بود که اگر این کار را بکنی من از تو ممنون خواهم شد زیرا قبلاً من در تحقیقات خود گفته بودم که پدرم سالها قبل وفات یافته است!

از عبدالسلام ضعیف ماه ها در مورد ذخایر معدنی افغانستان بخصوص طلا و سیماب سرخ که در برنامه های نظامی و فضائی بکار می رود پرسش صورت گرفته بود در حالیکه وی در این مورد معلوماتی نداشت.

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○ **فیض**

۱۵قوس:

• در یک انفجار در داخل شهر خوست امروز یک پولیس شهید و دو پولیس دیگر زخمی شدند. سخنگوی سرپرست والی خوست به رسانه ها گفته است، این رویداد در حومهٔ شهر خوست زمانی به وقوع پیوست که یک موتر رنجر پولیس که مصروف گزمه بود با ماین جاسازی شده کنارجاده تصادم نمود.

• دفتر مطبوعاتی سخنگوی وزارت دفاع ملی به رسانه ها خبرداده است، نیروهای اردوی ملی به هدف تامین امنیت هر چه بهتر درمربوطات ولایت های ننگرهار، کنر، کاپیسا، غزنی، لوگر و هلمند عملیات تصفیوی را انجام دادند که درنتیجه ۳۲ طالب مسلح کشته، ۱۶ طالب مسلح به شمول یک قوماندان این گروه گرفتار یکتعداد اسلحه و مقداری مهمات ثقیل بدست آمده است.

۱۶قوس:

• به قول رسانه ها، در نتیجهٔ انفجار در جریان مراسم عروسی در ولایت بلخ چهار غیر نظامی شهید شدند و سیزده غیرنظامی دیگر زخم برداشته اند. سخنگوی پولیس بلخ گفته است، انفجار در ولسوالی چمتال ولایت بلخ هنگام یک مراسم عروسی روی داده است. گفته می شود که این رویداد ناشی از پرتاب یک بمب دستی بوده است.

• در نتیجهٔ یک انفجار در ولایت ارزگان چاشت امروز دو خانم شهید شدند. به گفتهٔ مسوول بخش جنایی فرماندهی پولیس ارزگان به رسانه ها، انفجار در شهر ترینکوت مرکز این ولایت زمانی صورت گرفت، که این دو خانم مصروف جمع آوری توته های آهن کهنه بودند.

۱۷قوس:

• مسوولان محلی ولایت پروان به رسانه ها گفته اند، میدان هوایی بگرام صبح امروز هدف چندین راکت قرار گرفت. به گفتهٔ ولسوال بگرام، این راکت ها حوالی ساعت ۷ صبح به این میدان پرتاب گردیده و سبب کشته شدن دو کارمند میدان هوایی بگرام شده است.

• حمله برقوماندانی امنیهٔ ولسوالی میوند ولایت قندهار با از پا درآمدن مهاجمان پایان یافت. دراین حمله که چاشت امروز انجام شد، دو نظامی و چهار غیرنظامی جان باختند و هفت تن دیگر به شمول چهارفرد ملکی زخم برداشتند. ابتدا یک مهاجم انتحاری خودش را در برابر در ورودی قوماندانی پولیس ولسوالی میوند ولایت قندهار منفجر ساخت و سپس سایر مهاجمان با نیروهای امنیتی به درگیری پرداختند. گفته شده که این مهاجمان پس از سه ساعت درگیری با نظامیان یکی پی دیگری از پا درآمدند.

• مادری با دختر جوانش در نتیجهٔ حملهٔ راکتی طالبان مسلح روز گذشته در ولایت هلمند کشته شدند.این رویداد در نزدیکی بازار ولسوالی موسی قلعه هنگامی رخ داد که طالبان هنگام درگیری با نظامیان به راکت پراکنی پرداختند. یک مسوول امنیتی ولایت هلمند به رسانه ها است که یکی ازاین راکت های طالبان مسلح بریک خانه برخورد کرد و جان یک مادر با دختر جوانش را گرفت. دراین حمله ی راکتی چند خانهٔ نیز تخریب شده است.

• مدیر معارف ولسوالی شیندند ولایت هرات همراه با پسر و راننده اش از سوی مخالفان دولت کشته شد. مقامات امنیتی گفته اند که این رویداد بعد از ظهر امروز در مسیر شهر هرات تا مرکز ولسوالی شیندند صورت گرفته است. سخنگوی پولیس هرات به رسانه ها گفته است، این حادثه پس از آن صورت گرفت که موتر حامل مدیر معارف شیندند، با کمین مسلحانهٔ طالبان روبرو شد.

۱۹قوس:

• به گزارش رسانه ها، یک معلم در ولسوالی خواجه سبز پوش ولایت فاریاب شب گذشته توسط افراد ناشناس به قتل رسید. ولسوال خواجه سبز پوش گفته است که مقتول ملاعبدالمومن فرزند عبدالرسول و از باشنده گان قریهٔ قره شیخی این ولسوالی بود که شب گذشته بعد از ادای نماز خفتن در داخل مسجد از سوی افراد مسلح ناشناس به قتل رسید.

• به قول رسانه ها، طالبان هفت تن از مسافرین یک بس مسافربری را در فراه صبح امروز با خود بردند. به گفتهٔ قوماندان امنیهٔ فراه، این رویداد در ولایت فراه زمانی رخ داد که طالبان یک موتر نوع ۳۰۳ که از ولایت فراه به طرف نیمروز در حال حرکت بود متوقف نموده و دو تن از مسافرین این موتر را کشته، چهار تن را زخمی و هفت تن از مسافران این موتر را با خود بردند. به گفتهٔ وی، این حادثه در منطقهٔ شورآب خرما شهر فراه به وقوع پیوسته است.

• یک داکتر در ولایت لغمان از سوی افراد مسلح ناشناس شب گذشته در منزلش به قتل رسید. قوماندان امنیهٔ ولایت لغمان به رسانه ها گفته است، داکتر جلال الدین مشهور به میوند که در محبس عمومی لغمان به حیث داکتر ایفای وظیفه می کرد در ساحهٔ علی خیل شهر مهترلام مرکز ولایت لغمان توسط افراد مسلح ناشناس کشته شد.

• سه فرد ملکی که چند روز قبل در ولسوالی ده بالا ننگرهار توسط طالبان ربوده شده بودند، سر بریده شدند. مسوول مطبوعاتی ولایت ننگرهار به رسانه ها گفته است، اجساد سر بریدهٔ سه فرد ملکی در مربوطات ولسوالی ده بالا صبح امروز توسط پولیس یافت شد که از سوی طالبان به اتهام همکاری با دولت ربوده شده بودند.

۲۰ قوس:

• به گزارش رسانه ها، در حملهٔ انتحاری که صبح امروز در تنگی تره خیل کابل رخ داد، پنج منسوب اردوی ملی به شهادت رسیده و دوازده نفر دیگر زخم برداشته اند. منابع خبری وزارت های دفاع ملی و امور داخله گفته اند که حادثه ناشی ازیک حملهٔ انتحاری بود که در نزدیکی یک واسطهٔ ترانسپورتی صورت گرفت. این واسطه شماری از منسوبان فرقه ۱۱۱ کابل را انتقال می داد.

• پنج شاگرد مکتب در حملهٔ هوایی نظامیان ناتو در ولایت پروان در شمال کشور شب گذشته شهید شدند. این رویداد هنگامی رخ داده است که طیاره های بدون پیلوت، درهٔ خشکی در ولسوالی سیاه گرد را آماج حمله قراردادند.

• حملهٔ انتحاری که شام امروز در تالار لیسهٔ استقلال در شهر کابل رخ داد به قول رسانه ها، انفجار زمانی رخ می دهد که در سالن تیاتری به نام "تپش قلب انفجاری پس از سکوت" درحال اجرا بود.و در این رویداد یکتن کشته و حدود ۲۰ تن زخمی شده اند.

په نړیواله کچه فلسطینیان پر اسرائیلو د برلاسي په لور

□ **رفیق بحر**

وروسته له هغې چې د غزې په تړانګه باندې د اسرائیلي جارحیت ځواب د فلسطین د بې دفاع ولس لخوا په ثبات او مقاومت سره ورکړای شو او اسرائیلي یرغل کوم بریالیتوب لاسته را نه وړلی شو، نو د محمود عباس حکومت هم دا درک کړه چې د اسرائیلو سره له مقاومت او جګړې پرته بله مؤثره لیار نشته او په همدې بنیاد یې له حماس سره ملي وحدت حکومت جوړ کړ، څو حماس او الفتح دواړه ګوندونه په ګډه سره پر اسرائیلو د خپلې خپلواکۍ لپاره نړیوال فشار زیات کړي. دغه کار ښه پایله ولرله؛ ځکه له یوې خوا د دواړو غاړو ګډ ملي وحدت حکومت په بیت المقدس کې دننه هغه فلسطنیان هم په غیرت راوستل چې د اقصی جومات شاوخوا او لویدیځه غاړه کې اوسیږي؛ د اسرائیلو حکومت لخوا په ختیځ بیت المقدس کې د خپلو وګړو زیاتولو په منظور له څو کلونو راهیسې د نوو آبادیو پیل کړې پروسه، چې د ملګرو ملتونو د منشور او هم د وروستي اسرائیلي یرغل په نتیجه کې یواویا ورځنۍ جګړې وروسته په مصر کې د دواړو لوریو تر مینځه ترسره شوي توافق، خلاف عمل دی، اسرائیلي حکومت یوځل بیا د نوو آبادیو جوړولو اراده څرګنده کړه او هم د ځینو اسرائیلی نظامي لوړپوړو چارواکو لخوا د اقصی جومات دوره ترسره شوه؛ پداسې حال کې چې ددغې سیمې د امنیت ساتنې دنده اردني پوځ ته سپارل شوې ده، نو یو ځل بیا د فلسطینیانو د غوسې راپارېدلو لامل شوه او په پایله کې دوه فلسطیني ځوانانو په یهودانو د چړو ګوزارونه وکړل که څه هم دغه عمل اسرائیلیان نور هم په غوسه کړل خو د اسرائیلي هیواد ناکامه سیاست چې په سیمه کې د نا آرامۍ لامل شوی، دغه ښکېلاکګر هیواد په نړیواله سطحه ورځ تر بلې ځانته کړیدی؛ او د نړیوالې ټولنې لخوا د اسرائیلو د نوو آبادیو غندنې او هم د ملي وحدت د حکومت رامینځته کېدو مثبتو پایلو، چې د نړۍ په ګوټ ګوټ کې د فلسطینیانو لخوا د خپلې حقي داعیې لپاره کومه پیاوړې دپلوماسي روانه ده، د دې لامل شوې چې د لویدیځې نړۍ ګڼ هیوادونه د فلسطینیانو لپاره د یو خپلواک هیواد منلو په فکر کې شي. همدغه غوښتنه له یوې خوا د عربې ټولنې په وروستۍ غونډه کې را اوچته شوه، چې د عربي ټولنې مشر النبیل العربي له نړیوالې ټولنې او ملګرو ملتونو څخه د خپلواک فلسطین هیواد منلو غوښتنه وکړه او هم لدې د مخه ځینو شمالي اروپایي هیوادونو لکه سویډن او ناروی د فلسطین خپلواک حثیت ومنلو.

تېره اونۍ د فرانسې په پارلمان کې هم پدې اړه وړاندې شوي قراداد کې د فرانسې پارلمان د (۱۵۱) غړو په مقابل کې (۳۳۹) غړو د فرانسې له حکومت څخه وغوښتل چې د فلسطیني هیواد خپلواکي ومني؛ لکه چې لدې د مخه هم فرانسې، المان او انګلستان دریواړو هیوادونو د ملګرو ملتونو د امنیت شورا ته د یو نوي قرارداد په مسوده کار پیل کړی وو؛ چې د تېرې سه شنبې په ورځ په یو نوي لیک کې له اسرائیلي حکومت څخه غوښتل شوي چې ژر تر ژره د اتومي وسلو څخه د خلاصون هوکړه لیک منلو ژمنه وکړي.

په اسرائیلو باندې نړیوال فشار پداسې وخت کې زیاتیږي چې اسرائیل په کور دننه هم د سخت اختلاف ښکار شویدي او د اسرائیلي صدراعظم بنیامین نتنیاهو لخوا کابینه کې دوه تنه د لیکود ګوند غړي (د عدلیې او مالیې) وزیران هم له دندې ګوښه شوي، چې د حکومت دننه د اختلاف ښکارندویي کوي او له همدې امله اسرائیلی صدراعظم د کابینې د لغوه کېدو او له وخت د مخه نوې ټاکنې اعلان کړې؛ ځکه د بنیامین نتیناهو پالیسۍ چې په تشدد ولاړې دي، اسرائیلی په نړیواله کچه تجرید کړیدي او ورځ تر بلې له نوو ګواښونو سره مخ کیږي.

همدارنګه د اسرائیلو حکومت لخوا د ایران او پنځه جمع یو هیوادونو د مذاکراتو د وروستۍ نیټې په اړه (چې ګمان کېده، ښایې نوره اوږده نشي او نړیواله ټولنه د ایران حکومت سره مذاکراتو ته دوام ورنکړي) دغه لړۍ د ۱۹۱۵ میلادي کال تر جون میاشت پورې غځول، چې ایران ته اوه میاشتې مهلت ورکوي، هم اسرائیل ناهیلې کړیدي او له بلې خوا د امریکا او لویدیځې نړۍ د داعش د اسلامي حکومت پر خلاف عمل او د اوکراین حالت د اسرائیلو له ملاتړ څخه بې پروا کړیده، چې لامله یې اوس امریکا د تېر په څېر د اسرائیلو هر فرمایش نه مني او دا ځکه چې اسرائیلو هم د امریکا د دولت هغه غوښتنه څوځلې بایېزه ګڼلې چې ورڅخه یې د نویو آبادیو دمنع کولو لپاره کړې وه.

که فلسطیني دپلوماسي او په نړۍ کې د خورو ورو فلسطینیانو لخوا د خپلې داعیې او د آزادۍ د حق څخه د دفاع لابې نوره هم غښتلې شي او په کور دننه هم محمود عباس د وروستۍ جګړې څخه په الهام اخستلو د حماس کامیابې پالیسۍ ته ځان نور هم نږدې کړي، ویر ژر ده چې فلسطین د یو خپلواک هیواد په توګه ومنل شي.

هفته نامهٔ
مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ۳۳ ۲۲ قوس ۱۳۹۳ ۲۰ صفرالمظفر ۱۴۳۶ 13 Decembers 2014

د پاکستان امنیتي او سیاسي وضعیت



□ زهیر

وروسته له هغې چې د پاکستان د انصاف تحریک مشر او د کرکټ پخوانی ستوري عمران خان یو ځل بیا د نواز شریف حکومت پر خلاف د لاریونونو لړۍ اعلان کړه، په فیصل آباد کې د دغه گوند د پلویانو او پولسو تر مینځه د شخړې رامینځته کېدو په نتیجه کې د یاد گوند یو تن وژل شوی او ځینې ټپیان شویدي.

د عمران او نوازشریف تر مینځه کړکیچ په تېرو پارلماني ټاکنو کې د درغلېو د ادعاء په بنیاد رامنځته شوی دی؛ چې عمران خان یې ادعاء لري او وایې چې ژر تر ژره دې په تېرو ټاکنو کې د ترسره شوو درغلېو ارزونه وشي؛ نوموړی وایي چې نوازشریف په درغلۍ سره صدراعظم شوی دی، نو باید له واکه گوښه شي او نوي ټاکنې تر سره شي.

په پاکستان کې د دغه سیاسي کړکیچ تر څنگه امنیتي وضع هم د ډاډ وړ نده. او دا څکه چې سره ددې چې تر دا مهاله د اورپکو پر خلاف د ترسره شوو پاکستاني پوځ عملیاتو تر څنگه د امریکا ډراوون الوتکو هم تر څلور سوو حملې ترسره کړي دي او په نتیجه کې یې د څلورو زرو په شاوخوا کې دولت مخالف اورپکي (طالبان او د القاعده غړي) وژلي شوي دي خو ورځ تر بلې دغه حرکت پیاوړي کیږي او د عملیاتو ساحه یې اوس د هندوستان پولو ته هم غځېدلې ده. د پاکستاني دولت مخالفو طالبانو مشر (لطیف الله مسید) چې څه موده مخکې د افغان پوځ او بهرنیو ځواکونو د عملیاتو په دوران کې نیول شوی وو او دا گمان کېده چې د افغانستان حکومت سره د مذاکراتو لپاره افغانستان ته راغلی وو، امریکایي پوځونو نېولی او له ځان سره یې ساتلی وو؛ خو تېره اونۍ د دوه تنو ساتونکو سره د امریکایانو لخوا اسلام آباد ته ولېږدول شو او د پاکستان حکومت ته وسپارل شو؛ کوم کار چې د افغانستان د مشرانو جرگې لخوا هم پرې نېوکه شویده او د افغانستان د ولت لخوا پدې اړه چوپتیا یې غندلې ده؛ څکه نوموړی د افغانستان په قلمرو کې نېول شوی وو او د افغانستان د دولت په جریان کې ساتلو پرته یې په هکله د امریکایانو لخوا تصمیم نیول د افغانستان ملي حاکمیت او ځمکنۍ بشپړتیا تر پوښتنې لاندې راولي.

دا پداسې حال کې ده چې د پاکستان دولت د امریکایانو او افغان دولت څخه ددې هم غوښتنه کړیده چې د عبدالرحیم مسلم دوست په نامه یو افغان (چې پخوا د پاکستانی پوځ لخوا نېول شوی او گوانتانامو ته بېول شوی وو او وروسته بیا آزاد شوی وو او هم په وروستیو کې یې د داعش د مشر ابوبکر البغدادي سره یې بیعت اعلان کړی وو) پاکستانی دولت ته په سپارلو کې مرسته وکړي. مسلم دوست باندې تر سره شوو ظلمونو، چې نوموړي ورڅخه په خپل

۶مخ



جنرال متقاعد پرویز مشرف

طالبان را ما آموزش دادیم و آنان را مسلح ساختیم

□ همنوا

جنرال متقاعد، پرویز مشرف، رئیس جمهور نظامی اسبق پاکستان به روز پنجشبنه ۴ دسمبر در جلسهٔ تشکیلات جوانان پاکستان در کراچی، سخنرانی مبسوطی در مورد حکومت خویش و پلان ها و پروگرام های تشکیل و تسلیح به طالبان نمود و منجمله گفت: طالبان را ما آموزش دادیم و آنان را مسلح ساختیم!

در مورد گروه طالبان از آغاز و تا هنوز حرف ها و گفته های مختلفی شنیده شده و می شود برخی آنان را یک گروه خود جوش و داخلی می دانند و برخی آنان را برخاسته از شر و فساد قوماندان های مجاهدین می دانند!

در مورد طالبان حتی دولت مشروع و قانونی افغانستان (دولت اسلامی) نیز نظر واحد و متفق نداشت و امنیت آن وقت نیز قصد استفاده از طالبان را برای سرکوبی مخالفان خویش دانست!

اکثر محققان تا ۲۵ سال صبر می کنند تا بعضی از کشورها، اسناد سری شان را فاش سازند و از واقعیت های گذشته پرده بر دارند! سال ها قبل بی نظیر بوتو در زمان قدرت خویش گفته بود که ما نه تنها با طالبان کمک کرده ایم بلکه، انگلیس ها و امارات نیز عاملان اصلی این گروه بودند!

اما امروز این واقعیت را که پاکستان سازنده و ترکیب کننده و مسلح کنندهٔ طالبان بوده از زبان جنرال متقاعد پاکستانی می شنویم و هرگز دلیل و سند قاطع و روشن و آفتابی جز این خبر وجود ندارد! پس حیف و صد افسوس به حال آن عده از افغانانی که از واقعیت ها بی خبر اند و نظر به دلایل مختلف از این گروه تروریستی حمایت می کنند! مشرف، اشتباهات غرب را در سه مورد بر شمرد و گفت:

۱- غرب با حمایت طالبان و به کمک ما افراط گرایی را رشد داد و در نتیجه القاعده ظهور کرد.

۲- بوش رئیس جمهور وقت امریکا به پاکستان سفر کرد و با حمایت از طالبان، از ما خواست که رژیم آنان را به رسمیت بشناسیم!

۳- اشتباه سوم، بیرون رفتن امریکا از افغانستان است!

عجیب است که مشرف امروز در شرایطی از حمایت علنی خویش در مورد طالبان و مسلح ساختن آنان صحبت می کند که خود او نظر به کودتا و نقض قانون اساسی پاکستان دستگیر و قابل محاکمه و مجازات است!

نواز شریف صدراعظم پاکستان با کودتای پرویز مشرف دستگیر و مدتی زندانی شد و بعد با وساطت عربستان به آن کشور رفت!پرویز مشرف، حکومت های ملکی در کشور خویش را تحقیر می کرد و مخالف هر دوحزب سیاسی (حزب مردم پاکستان و پاکستان مسلم لیگ) بود.

او بود که تعدادی از همراهان نوازشریف را بر دور خود جمع کرد و گروه جدید به نام (پاکستان مسلم لیگ قاعد اعظم) را ظاهر ساخت! مشرف به یاران نیم راه نوازشریف، وزارت ها و سفارت ها سپرد و این حزب را به زعم خویش با ضربهٔ قاطع مواجه ساخت.

او برخی از همران بی نظیر را نیز همراه ساخت و گمان کرد که حزب مردم را نیز ضربه زده است! در انتخابات پس از کنار رفتن مشرف، و به هدایت امریکا، تلاش صورت گرفت تا مشرف و خانوادهٔ بوتو آشتی نمایند و امارات متحدهٔ عربی نیز در این ماموریت سهم گرفت! اما پس از انتقال و در نتیجهٔ انتخابات، سرانجام مسلم لیگ نوازشریف پیروز شد و در جریان یکی دو سال اخیر کار به دستگیری و محاکمهٔ پرویز مشرف انجامید. این هم راز سر بمهر است که او چرا هنوز هم در مجالس مهم سخنرانی می کند و حمایت صریح و قاطع خویش را در آموزش و تسلیح طالبان افغانی اعلام می دارد!

هرچه از حد بگذرد...!

□ تکساری

مردم افغانستان در این روزها طمع تلخ بی کفایتی، بی برنامه‌گی حکومت سرپرست ها را می چشند. سرپرستی معینان در وزارتخانه ها، توقف تقرر و جابجایی و ایستایی زنده‌گی، کارد را به استخوان مردم رسانده است. جرقه های نا امنی امروز راه خود را به دروازه های شهر نزدیک ساخته است. بی امنی در کابل و سایر شهرها و بازی های پشت پردهٔ رئیس جمهور و رئیس اجراییه، دیگر دروازه های امید را به روی مردم بسته است.

نا امنی و انتحار و انفجار طالبان در شهرهای بزرگ و ولسوالی ها زنگ خطری است که باید حاکمان ارگ به آن بیندیشند. نا امنی در شهرهای بزرگ در حقیقت به معنی کمرنگ شدن زنده گی است. زنده‌گی با امید و جرقه های پیروزی خوشایند می گردد، نه با باروت و فضای مسموم کنندهٔ سیاسی. رهبران حکومت وحدت ملی به بهانه گزینش افراد سالم، ظرف نزدیک به دو ماه مردم را در انتظار نگه داشته اند، تا هنوز اعضای کابینه و رده های بلند حکومتی به پارلمان کشور معرفی نگردیده است. رهبران حکومت وحدت ملی در همایش لندن وعده سپردند که در کار حکومت داری خوب تلاش خواهند کرد و یک حکومت پاسخگو و کارا به وجود خواهند آورد و در جهت کاهش فساد مبارزه جدی انجام خواهند داد، حرف های که اسلاف آنها در زبان می گفتند و در عمل فراموش می نمودند.

اصلاحات در نهادهای انتخاباتی، عدلی و قضایی، اصلاحات در گمرگات از جمله تعهداتی است رهبران حکومت وحدت ملی به جامعه جهانی وعده سپرده اند؛ زیرا در نبود این گونه اصلاحات کمک جامعهٔ جهانی به هدر خواهد رفت. این هردو رهبر تا اکنون شعارهای زیادی در جهت زدودن فساد و تشکیل حکومت کارا سر داده اند. انتظار بر این بود که قبل از رفتن به نشست لندن کابینه جدید به کار خود آغاز نماید؛ اما نسبت تفاوت دیدگاه ها و فشار طرفداران هر دو تیم انتخاباتی در جابجایی رده های بلند دولتی

ص۲